

یونیدروا  
مؤسسه بین‌المللی یکتواخت کردن حقوق خصوصی

## اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی

(2016)

ترجمه و تحقیق:  
فرهاد امام  
تهران - 1403

بر مبنای ترجمه و تحقیق نسخه‌های قبلی این کتاب:

استاد فقید دکتر بهروز اخلاقی - فرهاد امام

## مقدمه

(هدف از این اصول)

در این اصول، قواعدی عمومی برای قراردادهای تجاری بین‌المللی مطرح می‌شود. اصول مزبور را باید هنگامی اعمال کرد که طرفین توافق کرده باشند قراردادشان برطبق آن

اصول باشد. (\*)

این اصول را می‌توان همچنین هنگامی اعمال کرد که طرفین توافق کرده باشند قراردادشان تابع «اصول کلی حقوقی»، «حقوق فراملی بازرگانان» (لکس مرکاتوریا) [Lex Mercatoria] یا مشابه آنها باشد.

این اصول را می‌توان هنگامی که طرفین هیچ قانونی را به عنوان قانون حاکم بر قراردادشان انتخاب نکرده باشند، اعمال کرد.

از این اصول می‌توان برای تفسیر یا تکمیل اسناد حقوقی یکنواخت بین‌المللی استفاده کرد. از این اصول می‌توان برای تفسیر یا تکمیل حقوق داخلی استفاده کرد.

اصول مزبور می‌تواند مدل و نمونه‌ای برای قانونگذاران ملی و بین‌المللی باشد.

---

\* طرف‌هایی که مایل به این باشند که در قراردادشان این موضوع مقرر شود که توافق آنها تابع «اصول» باشد می‌توانند از «شروط نمونه» برای بهره‌بردن از اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی «یونیدورا» استفاده کنند.  
نگاه کنید به:

# فصل 1

## مقررات عمومي

### ماده 1-1

(اصل آزادي قراردادها)

طرفين آزادند كه قرارداداي را منعقد و محتواي آن را تعيين كنند.

### ماده 1-2

(نيازمنند نبودن به شكلي خاص)

در هيچيك از مواد اين اصول مقرر نشده است كه قرارداد، اظهارات يا هر عمل ديگري به شكل خاصي صورت پذيرد و يا مدلل شود. موارد مذكور را به هر وسيله‌اي، از جمله شهود، مي‌توان اثبات كرد.

### ماده 1-3

(مشخصه الزام آور قرارداد)

قراردادي كه به شكل معتبر منعقد مي‌شود، براي طرفين الزام آور است؛ و فقط مطابق با شروط آن يا با توافق طرفين يا به نحو ديگري كه در اين «اصول» مقرر شده است، مي‌توان آن را اصلاح كرد يا به آن خاتمه داد.

### ماده 1-4

(قواعد امري)

هيچيك از مواد اين اصول، اعمال قواعد امري را كه مطابق با قواعد مربوط به حقوق بين‌الملل خصوصي قابل اعمال هستند، محدود نخواهد كرد؛ خواه منشأ آنها ملي يا بين‌المللي باشد، خواه فوق ملي.

## ماده 5-1

(مستثنا کردن یا اصلاح کردن از سوی طرفین)  
طرفین می‌توانند اعمال این اصول را مستثنا سازند یا از آثار هر یک از مقررات آنها شانه خالی کنند و یا آن آثار را تغییر دهند، مگر در مواردی که خلاف آن در این اصول مقرر شده باشد.

## ماده 6-1

(تفسیر و تکمیل اصول)

1) در تفسیر این اصول، باید به ویژگی بین‌المللی آنها و نیز به هدف از این اصول، شامل نیاز به ترویج یکنواختی در اعمال آنها، توجه داشت.  
2) درباره موضوعاتی که در محدوده این اصول قرار می‌گیرند اما وضعیت آنها بطور صریح توسط این اصول مشخص نشده است، باید تا سر حد امکان مطابق با اصول کلی بنیادی آنها، تصمیم‌گیری شود.

## ماده 7-1

(حسن نیت و معامله منصفانه)

1) در تجارت بین‌المللی، هر طرف قرارداد باید مطابق با حسن نیت و معامله منصفانه اقدام کند.  
2) طرفین نمی‌توانند این تکلیف را مستثنا یا محدود کنند.

## ماده 8-1

(رفتار ناهماهنگ)

يك طرف قرارداد نمي‌تواند ناهماهنگ با فهم و برداشتي عمل كند كه خود وي باعث ايجاد آن در ذهن طرف ديگر شده است و طرف ديگر با اتكا به آن بطور معقول و متعارف عمل کرده است براي اينكه [آن رفتار ناهماهنگ] منجر به ورود خسارت و زيان به طرف ديگر شود.

## ماده 9-1

(عرفهاي تجاري و رويه‌ها)

1) طرفين ملزم به رعايت هر عرف تجاري توافق شده و هر رويه‌اي هستند كه بين خود برقرار ساخته‌اند.

2) طرفين ملزم به رعايت عرفي تجاري هستند كه در تجارت بين‌المللي، از سوي طرفين در تجارت خاص مورد نظر، بطور گسترده‌اي شناخته شده است و بطور منظم رعايت مي‌شود، مگر در موردی كه اعمال چنان عرفي غيرمتعارف باشد.

## ماده 10-1

(اخطار يه)

1) در موردی كه به دادن اخطار نیاز باشد، اين كار را مي‌توان به هر طريق و وسيله‌اي متناسب با اوضاع و احوال مورد نظر انجام داد.

2) اخطار يه هنگامی واجد اثر قانوني است كه توسط شخص طرف اخطار، وصول شود.

3) منظور از بند 2 اين است كه يك اخطار يه هنگامی توسط شخصي «وصول» مي‌شود كه بطور شفاهي به اطلاع آن شخص رسانده شود يا به محل تجاري يا نشاني پستي آن شخص تحويل شود.

4) منظور از «اخطار» در اين ماده، شامل اعلاميه، تقاضا، درخواست يا هر ابلاغ ديگري از قصد [طرفين] است.

## ماده 1-11

(تعاریف)

در این «اصول»:

- «محکمه» شامل هر دیوان داوری می‌شود؛
- در صورتی که یک طرف بیش از یک محل تجاری داشته باشد، «محل تجاری» مربوط، محلی است که نزدیک‌ترین رابطه را با قرارداد و اجرای تعهداتش دارد، آن هم با عنایت به اوضاع و احوالی که در هر زمانی پیش از انعقاد قرارداد یا در زمان انعقاد آن، برای طرفین شناخته شده بوده و یا در نظر گرفته شده است؛
- «قرارداد بلند مدت» به قراردادی اشاره می‌کند که اجرای آن در طی دوره زمانی مشخصی قرار است انجام شود و قاعدتاً به درجات مختلف، پیچیدگی معامله و رابطه بین طرفین قرارداد در طی دوره زمانی مزبور را شامل می‌شود؛
- لفظ «متعهد» به طرفی اشاره می‌کند که قرار است تعهدی را اجرا کند و «ذینفع تعهد» به طرفی دلالت دارد که به اجرای آن تعهد محق است.
- «نوشته» عبارت است از هر طریق ابلاغ که سابقه‌ای از اطلاعات مندرج در آن ابلاغ را حفظ می‌کند و این قابلیت را دارد که به شکلی ملموس تکثیر (بازآفرینی) شود.

## ماده 1-12

(محاسبه زمان مقرر شده توسط طرفین)

- 1) تعطیلات رسمی یا روزهای غیر کاری که در مدت مقرر شده از سوی طرفین برای اجرای یک عمل تعهد شده واقع می‌شوند در محاسبه آن مدت به حساب آورده می‌شوند.
- 2) با این وجود، اگر آخرین روز مدت مزبور یک تعطیل رسمی یا روز غیر کاری در محل تجاری طرفی باشد که قرار است آن عمل تعهد شده را اجرا کند مدت مزبور تا اولین روز کاری پیرو آن روز تعطیل یا غیرکاری تمدید می‌شود مگر اینکه اوضاع و احوال بر خلاف آن دلالت داشته باشد.

3) منطقه زمانی مرتبط [با قرارداد]، منطقه زمانی محل تجاری طرفی است که زمان مزبور را مقرر می‌کند مگر اینکه اوضاع و احوال بر خلاف آن دلالت داشته باشد.

## فصل 2

### تشکیل قرارداد و اختیارات نمایندگان

#### قسمت 1: تشکیل قرارداد

##### ماده 2-1-1

(نحوه تشکیل قرارداد)

قرارداد ممکن است با قبول يك ايجاب یا رفتار طرفین آنچنان که برای نشان دادن توافق کافی باشد، منعقد شود.

##### ماده 2-1-2

(تعریف ايجاب)

پیشنهاد برای انعقاد قرارداد، در صورتی موجد ايجاب است که به حد کافی قطعی و بیانگر قصد ايجاب‌دهنده برای التزام، در صورت قبول ايجاب باشد.

##### ماده 2-1-3

(پس گرفتن ايجاب)

1) ايجاب وقتی نافذ می‌گردد که مخاطب ايجاب آن را وصول کند.  
2) ايجاب را در صورتی می‌توان پس گرفت که درخواست پس گرفتن ايجاب، قبل از ايجاب یا همزمان با آن، از سوی مخاطب ايجاب وصول شود؛ حتی در حالتی که ايجاب، قطعی و غیرقابل رجوع است.

#### ماده 2-1-4

(رجوع از ایجاب)

1) تا قبل از انعقاد قرارداد، در صورتی می‌توان از ایجاب رجوع کرد که قبل از ارسال قبول از سوی مخاطب ایجاب، رجوع از ایجاب را شخص مزبور وصول کند.

2) اما از ایجاب نمی‌توان رجوع کرد:  
الف) اگر ایجاب بیانگر این باشد که غیرقابل رجوع است؛ خواه این بیان با تعیین یک زمان ثابت برای قبول باشد، خواه به طریقی دیگر؛  
یا

ب) اگر برای مخاطب ایجاب معقول و متعارف باشد که بر ایجاب، به عنوان ایجابی غیرقابل رجوع استناد کند و مخاطب ایجاب با اتکا بر ایجاب، اقدام کرده باشد.

#### ماده 2-1-5

(رد ایجاب)

ایجاب هنگامی خاتمه می‌یابد که رد آن را ایجاب‌دهنده وصول کند.

#### ماده 2-1-6

(نحوه قبول)

1) اظهار یا فعلی دیگر از سوی مخاطب ایجاب که بر رضایت به یک ایجاب دلالت داشته باشد، قبول محسوب می‌شود. سکوت یا اقدام نکردن به خودی خود، به قبول منجر نمی‌شود.

2) قبول یک ایجاب هنگامی نافذ می‌شود که [اظهار یا فعل] دال بر رضایت از سوی ایجاب‌دهنده وصول شود.

3) با این وجود، اگر بر طبق ایجاب یا در نتیجه رویه‌هایی که طرفین بین خود برقرار کرده‌اند، یا بر طبق عرف تجاری، مخاطب ایجاب بتواند با انجام فعلی، رضایت خود را بیان



کند، بی‌آنکه این امر به اطلاع ایجاب‌دهنده رسانده شود، به هنگام انجام دادن آن فعل، قبول نافذ می‌شود.

#### ماده 2-1-7

*(زمان قبولی)*

ایجاب باید در مدت زمانی که ایجاب‌دهنده تعیین کرده است، قبول شود؛ و در صورتیکه زمانی تعیین نشده باشد، با توجه به اوضاع و احوال، از جمله سرعت وسایل ارتباطی که از سوی ایجاب‌دهنده بکار گرفته شده است، باید قبولی در زمانی متعارف انجام شود. ایجاب شفاهی باید بلافاصله قبول شود؛ مگر اینکه اوضاع و احوال بر خلاف آن دلالت کند.

#### ماده 2-1-8

*(قبول در مهلت مشخص)*

مهلت قبولی مشخص شده از سوی ایجاب‌دهنده از زمانی آغاز می‌شود که ایجاب ارسال می‌شود. زمان مندرج در ایجاب، زمان ارسال تلقی می‌شود مگر اینکه اوضاع و احوال بر خلاف آن دلالت داشته باشد.

#### ماده 2-1-9

*(قبول پس از موعد - تأخیر در انتقال)*

1) اگر ایجاب‌دهنده بدون تأخیر غیرموجه، به اطلاع مخاطب ایجاب برساند که قبول پس از موعد، به هر حال به عنوان قبول نافذ است یا اخطاری یا همین تأثیر به مخاطب ایجاب ارسال دارد، قبول مزبور، نفوذ خود را حفظ خواهد کرد.

2) اگر طبق نامه یا یک نوشته دیگر که حاوی قبولی پس از موعد است، ثابت شود که این قبولی در شرایطی ارسال شده است که اگر انتقال آن به

شکل عادی انجام می‌شود، در زمان مقرر به دست ایجاب‌دهنده می‌رسید، قبول پس از موعد به عنوان یک قبول صحیح نافذ خواهد بود؛ مگر اینکه ایجاب‌دهنده، بدون تأخیری غیرموجه، به اطلاع مخاطب ایجاب برساند که ایجاب را منقضی شده تلقی می‌کند.

#### ماده 2-1-10

*(پس گرفتن قبول)*

پس گرفتن قبول در صورتی نافذ است که قبل از زمانی که قبول نافذ می‌شده است یا همزمان با آن، به ایجاب‌دهنده برسد.

#### ماده 2-1-11

*(قبولی اصلاح شده)*

1) پاسخ به یک ایجاب که به ظاهر حاوی قبول اما در واقع حاوی اضافات، محدودیتها یا اصلاحات دیگری است، رد ایجاب محسوب می‌شود و موجد یک ایجاب متقابل است.

2) اما پاسخ به یک ایجاب که به ظاهر حاوی قبول ولی در واقع حاوی شروط اضافی یا متفاوتی است که بطور اساسی، مفاد ایجاب را تغییر نمی‌دهند، موجد یک قبول است مگر اینکه ایجاب‌دهنده، بدون تأخیر غیرموجه، به مغایرت موجود اعتراض کند. اگر ایجاب‌دهنده اعتراض نکند، شروط قرارداد، همان مفاد ایجاب، همراه با اصلاحات مندرج در قبول، خواهند بود.

#### ماده 2-1-12

*(نوشته‌های تأیید کننده قرارداد)*

اگر نوشته‌ای که در ظرف زمانی متعارف پس از انعقاد قرارداد فرستاده شده و منظور از آن، تأیید قرارداد بوده، حاوی شروطی اضافی یا

متفاوت باشد، آن شروط بخشی از قرارداد می‌شوند مگر آنکه قرارداد را بطور اساسی تغییر دهند یا دریافت کننده بدون تأخیر غیرموجه، به وجود اختلاف و ناهماهنگی اعتراض کند.

### ماده 2-1-13

(انعقاد قرارداد منوط به توافق بر موضوعات مشخص یا توافق به شکلی مشخص)

در صورتیکه در جریان مذاکرات، یکی از طرفین اصرار کند که تا زمانی که بر سر موضوعاتی مشخص یا به شکلی مشخص توافق حاصل نشود، قرارداد منعقد نمی‌شود، قبل از رسیدن به توافق در آن موضوعات مشخص یا به آن شکل مشخص، قراردادی منعقد نخواهد شد.

### ماده 2-1-14

(قرارداد حاوی شروطی است که به عمد باز و غیرقطعی باقی مانده اند)

1) اگر طرفین قصد انعقاد قراردادی را داشته باشند، این واقعیت که به عمد توافق بر شرطی را به مذاکرات بعدی موکول کرده یا تعیین آن را به عهده یکی از طرفین قرارداد و یا شخصی ثالث گذاشته‌اند، مانع از ایجاد قرارداد نمی‌شود.

2) وجود قرارداد، تحت تأثیر این واقعیت قرار نمی‌گیرد که متعاقباً:  
الف) طرفین در مورد شرط مزبور به توافق نمی‌رسند؛

ب) طرفی که قرار شده شرط مزبور را تعیین کند این کار را انجام نمی‌دهد؛ یا

ج) شخص ثالث مزبور، شرط مذکور را تعیین نمی‌کند؛

به این شرط که طرق جایگزینی برای تعیین شرط مزبور که در اوضاع و احوال [هر مورد]، با عنایت به قصد طرفین، متعارف باشد، وجود داشته باشد.

## ماده 2-1-15

(مذاکرات همراه با سوء نیت)

- 1) هر طرف برای مذاکره آزاد است و مسؤول ناکامی در دستیابی به توافق نیست.
- 2) با این وجود، طرفی که انجام یا قطع مذاکره را با سوء نیت همراه می‌سازد، مسؤول زیان‌هایی است که موجب شده است بر طرف دیگر وارد شود.
- 3) بویژه این امر برای يك طرف سوء نیت محسوب می‌شود که با قصد عدم دستیابی به توافق با طرف دیگر، وارد مذاکره شود یا آن را ادامه دهد.

## ماده 2-1-16

(وظیفه محرمانه نگاه داشتن [اطلاعات])

در جریان مذاکرات، هر طرف وظیفه دارد اطلاعاتی را که طرف دیگر به عنوان اطلاعات محرمانه در اختیارش می‌گذارد افشا نکند یا برای مقاصد شخصی، استفاده نامناسبی از آنها به عمل نیاورد؛ خواه متعاقباً قراردادی بین آنها منعقد شود یا نشود. در صورت مقتضی، یکی از طرق جبران نقض این وظیفه، غرامتی است که میزان آن بر مبنای منافع حاصل شده برای طرف دیگر تعیین می‌شود.

## ماده 2-1-17

(قیود ادغام)

يك قرارداد کتبی حاوی قیدی مبنی بر اینکه نوشته مورد نظر، بطور کامل دربردارنده شروط مورد توافق طرفین است را نمی‌توان با دلیلی ناشی از اظهارات یا توافقیهای پیشین، در تعارض قرار داد یا تکمیل کرد. اما چنین اظهارات یا

توافقهایی را می‌توان در تفسیر آن نوشته بکار گرفت.

## ماده 18-1-2

(اصلاحات به شکلی مشخص)

یک قرارداد کتبی حاوی این قید که هر اصلاح یا خاتمه دادن به قرارداد باید به شکلی مشخص صورت گیرد، به طریقی غیر از آن شکل مشخص اصلاح نمی‌شود یا خاتمه نمی‌یابد. با این وجود، بر اساس رفتار یک طرف می‌توان او را از استناد به چنین قیدی محروم ساخت آن هم به میزانی که طرف دیگر بطور معقول و متعارف با اتکا بر چنین رفتاری اقدام کرده باشد.

## ماده 19-1-2

(انعقاد قرارداد تحت شروط استاندارد)

1) در موردی که یک طرف یا هر دو طرف، از شروط استاندارد در انعقاد قرارداد استفاده می‌کنند، قواعد عمومی مربوط به تشکیل قرارداد، تابع مفاد بندهای 20 تا 22 ماده 1-2 همین «اصول»، خواهند بود.

2) شروط استاندارد مقرراتی هستند که پیشاپیش برای استفاده عمومی و مکرر از سوی یک طرف آماده شده‌اند و در عمل بدون مذاکره با طرف دیگر از آنها استفاده می‌شود.

## ماده 20-1-2

(شروط غیرمنتظره)

1) هیچ شرط مندرج در شروط استاندارد، اگر دارای خصیصه‌ای باشد که طرف دیگر بطور متعارف امکان ندارد انتظار آن را داشته باشد، نافذ نخواهد بود؛ مگر اینکه طرف دیگر بطور صریح آن را بپذیرد.

2) برای تعیین اینکه یک شرط دارای ویژگی مزبور هست یا نه، باید به محتوا، زبان و نحوه ارائه شرط مزبور توجه کرد.

### ماده 2-1-21

(تعارض بین شروط استاندارد و غیراستاندارد)  
در صورت تعارض بین شروط استاندارد و غیراستاندارد، ارجحیت با شرط غیراستاندارد است.

### ماده 2-1-22

(نبرد فرمها)  
در موردی که هر دو طرف از شروط استاندارد بهره می‌گیرند و جز در مورد شروط استاندارد، در بقیه موارد به توافق می‌رسند، قراردادی بر مبنای شروط توافق شده و هر شرط استاندارد که از نظر ماهیت بین طرفین یکسان باشد، منعقد می‌شود؛ مگر اینکه یکی از طرفین، پیشاپیش به وضوح بیان کند یا بعداً و بدون تأخیر غیرموجه به طرف دیگر اطلاع دهد که قصد ندارد به چنین قراردادی ملتزم باشد.

## قسمت 2: اختیارات نمایندگان

### ماده 2-2-1

(قلمرو این قسمت)

1) مقررات این قسمت بر اختیارات یک شخص («نماینده») از جهت تأثیر آن اختیارات بر روابط حقوقی شخصی دیگر («اصیل») بر طبق یک قرارداد یا در ارتباط با قراردادی با یک طرف ثالث حاکم است چه آن نماینده به نام خودش اقدام کند و یا به نام اصیل.

2) مقررات این قسمت فقط بر روابط بین اصیل یا نماینده از یک سو و طرف ثالث از سوی دیگر حاکم است.

3) مقررات مزبور بر اختیارات یک نماینده که بر طبق قانون به او داده شده یا اختیارات نماینده‌ای که توسط یک مقام عمومی یا قضایی منصوب شده است حاکم نمی‌باشد.

### ماده 2-2-2

(تحقق یافتن اختیارات نماینده و محدوده آن)

1) اعطای اختیارات از سوی اصیل به نماینده ممکن است به شکل صریح یا ضمنی محقق شود.  
2) نماینده اختیار دارد تا تمام اقداماتی را انجام دهد که با در نظر گرفتن اوضاع و احوال، برای نیل به مقاصدی که دادن اختیارات برای دستیابی به آنها انجام شده است، ضروری هستند.

### ماده 2-2-3

(نمایندگی افشا شده)

1) هنگامی که نماینده‌ای در محدوده اختیاراتش عمل می‌کند و طرف ثالث از این امر اطلاع داشته یا بایستی مطلع می‌بوده که نماینده مزبور به عنوان نماینده [یک اصیل] اقدام می‌کرده است، اعمال نماینده بطور مستقیم بر روابط حقوقی بین اصیل و طرف ثالث اثر می‌گذارد و هیچ رابطه حقوقی بین نماینده و طرف ثالث ایجاد نمی‌شود.

2) با این وجود، در موردی که نماینده با رضایت اصیل برعهده می‌گیرد که طرف قرارداد موردنظر شود اعمال نماینده فقط بر روابط بین نماینده و طرف ثالث تأثیر می‌گذارد.

#### ماده 2-2-4

(نمایندگی افشا نشده)

1) هنگامی که نماینده‌ای در محدوده اختیاراتش اقدام می‌کند و طرف ثالث از این امر مطلع نیست یا نمی‌بایستی مطلع می‌بوده که نماینده مزبور به عنوان نماینده [یک اصیل] اقدام می‌کرده است اقدامات نماینده فقط بر روابط بین نماینده و طرف ثالث تأثیر خواهد گذاشت.

2) با این وجود، در موردی که نماینده مزبور به هنگام انعقاد قرارداد با طرف ثالث از جانب یک کسب و کار تجاری، خود را به عنوان مالک آن کسب و کار تجاری معرفی می‌کند، طرف ثالث به محض کشف هویت مالک واقعی آن کسب و کار تجاری می‌تواند در مقابل شخص اخیر نیز همان حقوقی را اعمال کند که در مقابل نماینده دارد.

#### ماده 2-2-5

(اقدام نماینده بدون داشتن اختیارات یا فراتر از محدوده اختیارات)

1) در موردی که نماینده‌ای بدون داشتن اختیارات یا فراتر از محدوده اختیاراتش اقدام می‌کند، اعمال وی بر روابط حقوقی بین اصیل و طرف ثالث تأثیری نمی‌گذارد.

2) با این وجود، در موردی که اصیل سبب آن می‌شود که طرف ثالث بطور معقول و متعارف به این باور برسد که نماینده دارای اختیاراتی برای اقدام از جانب اصیل است و در محدوده آن اختیارات اقدام می‌کند اصیل نمی‌تواند در مقابل طرف ثالث به فقدان اختیارات نماینده استناد کند.



## ماده 2-2-6

(مسئولیت نماینده‌ای که بدون داشتن اختیارات یا فراتر از محدوده اختیاراتش اقدام می‌کند)

1) نماینده‌ای که بدون داشتن اختیارات یا فراتر از محدوده اختیاراتش اقدام می‌کند در صورت عدم تنفیذ اقداماتش از سوی اصیل، مسؤول پرداخت خساراتی خواهد بود که طرف ثالث را در همان وضعیتی قرار خواهد داد که گویی نماینده مزبور با داشتن اختیارات و بدون فراتر رفتن از محدوده اختیاراتش اقدام کرده بوده است.

2) با این وجود، در صورتیکه طرف ثالث از اینکه نماینده فاقد اختیارات بوده یا فراتر از محدوده اختیاراتش اقدام می‌کرده، مطلع بوده یا بایستی مطلع می‌بوده است نماینده مسؤولیتی را برعهده نخواهد داشت.

## ماده 2-2-7

(تعارض منافع)

1) اگر قراردادی که توسط یک نماینده منعقد شده است وی را در یک تعارض منافع با شخص اصیل درگیر نماید که طرف ثالث از آن تعارض منافع مطلع بوده یا بایستی مطلع می‌بوده است اصیل می‌تواند آن قرارداد را ابطال کند. حق ابطال قرارداد مزبور مشروط به رعایت مفاد ماده‌های 3-2-9 و 3-2-11 تا 3-2-15 خواهد بود.

2) با این وجود، اصیل در موارد زیر نمی‌تواند قرارداد را ابطال کند:

(الف) اگر اصیل به درگیر بودن نماینده در آن تعارض منافع رضایت داده بوده، یا از آن مطلع بوده یا بایستی مطلع می‌بوده است.

(ب) اگر نماینده وجود تعارض منافع را برای اصیل افشا کرده باشد و اصیل در طی مدتی معقول و متعارف به آن اعتراضی نکرده باشد.

## ماده 2-2-8

(نماینده‌گی فرعی)

نماینده دارای اختیارات ضمنی برای تعیین نماینده‌ای فرعی برای انجام اقداماتی است که بطور معقول و متعارف نمی‌توان انتظار داشت که خود نماینده آن اقدامات را انجام دهد. قواعد مذکور در این قسمت نسبت به نمایندگی فرعی نیز اعمال می‌شوند.

## ماده 2-2-9

(تنفیذ)

1) اقدامی از سوی نماینده که بدون داشتن اختیارات یا فراتر از محدوده اختیارات انجام شده است ممکن است از سوی اصیل تنفیذ شود. با انجام تنفیذ، اقدام مزبور همان آثاری را ایجاد می‌کند که گویی از ابتدا با داشتن اختیارات لازم انجام شده بوده است.

2) طرف ثالث می‌تواند با ارسال اخطاری برای اصیل، مدت زمان معقول و متعارفی را برای تنفیذ مشخص کند. اگر اصیل تنفیذ را در مدت زمان مزبور انجام ندهد دیگر نمی‌تواند آن را انجام دهد.

3) اگر در زمان اقدام نماینده، طرف ثالث نه از فقدان اختیارات مطلع بوده و نه بایستی از آن مطلع می‌بوده است وی می‌تواند در هر زمانی قبل از تنفیذ، با ارسال اخطاری به اصیل به وی خاطر نشان کند که نمی‌خواهد به وسیله تنفیذ، اقدام مزبور برای وی الزام آور شود.

## ماده 2-2-10

(خاتمه یافتن اختیارات)

1) خاتمه یافتن اختیارات نسبت به طرف ثالث نافذ نمی‌باشد مگر اینکه طرف ثالث از آن مطلع بوده یا بایستی مطلع می‌بوده است.

2) با وجود خاتمه یافتن اختیارات نماینده، وی مجاز به انجام اقداماتی که برای جلوگیری از ورود صدمه و زیان به منافع اصلی ضروری هستند باقی می‌ماند.

### فصل 3

#### اعتبار

قسمت 1: مقررات عمومی

#### ماده 3-1-1

(موضوعات غیرمشمول)

در این فصل به موضوع عدم اهلیت پرداخته نمی‌شود.

#### ماده 3-1-2

(اعتبار صرف توافق)

یک قرارداد، به صرف توافق طرفین، و بی‌هیچ اقتضای دیگری، منعقد و اصلاح می‌شود یا خاتمه می‌یابد.

#### ماده 3-1-3

(عدم امکان ابتدایی)

1) صرف این واقعیت که در زمان انعقاد قرارداد، اجرای تعهداتی که بر عهده گرفته شده، غیرممکن بوده است، بر اعتبار قرارداد تأثیری نمی‌گذارد.

2) صرف این واقعیت که در زمان انعقاد قرارداد، یک طرف حق واگذاری دارایی‌هایی که قرارداد در ارتباط با آنهاست را نداشته، بر اعتبار قرارداد تأثیری نمی‌گذارد.

### ماده 4-1-3

(مشخصه امری مقررات)

مقررات راجع به فریب، تهدید، غبن فاحش و عدم مشروعیت که در این فصل گنجانده شده اند امری هستند.

### قسمت 2: مبانی ابطال قرارداد

#### ماده 1-2-3

(تعریف اشتباه)

اشتباه عبارت است از فرضی غیرمنطبق با واقع، مرتبط با امور موضوعی یا حکمی که در زمان انعقاد قرارداد موجود بوده اند.

#### ماده 2-2-3

(اشتباه مؤثر)

1) هر يك از طرفهاي قرارداد فقط در صورتی میتواند قرارداد را به دلیل وقوع اشتباه ابطال کند که به هنگام انعقاد قرارداد، اشتباه چنان با اهمیت بوده است که اگر شخصی متعارف در همان موقعیت طرف اشتباه کننده قرار می‌گرفت، قرارداد را با شروطی اساساً متفاوت منعقد می‌کرد و یا چنانچه وضعیت حقیقی امور شناخته شده بودند، اصلاً آن را منعقد نمی‌کرد؛ و الف) طرف دیگر همان اشتباه را مرتکب شده، یا موجب وقوع اشتباه شده یا از اشتباه مطلع بوده یا باید مطلع می‌بوده است؛ و این امر، مغایر با معیارهای تجاری متعارف در معامله منصفانه است که طرف به اشتباه افتاده را در اشتباه رها کرد؛ یا ب) در زمان ابطال، طرف دیگر با اتکا به قرارداد، اقدام نکرده است.

2) اما در موارد زیر، طرف قرارداد نمی‌تواند آن را ابطال کند:

الف) اگر طرف مزبور در ارتکاب اشتباه، تقصیر سنگینی را مرتکب شده باشد؛ یا  
ب) اشتباه با موضوعی مرتبط باشد که در مورد آن، مسؤولیت ناشی از اشتباه را طرف اشتباه کننده بر عهده گرفته یا با توجه به اوضاع و احوال، باید بر عهده می‌گرفته است.

### ماده 3-2-3

*(اشتباه در بیان یا انتقال مطلب دیگری)*  
اشتباهی که در بیان یا انتقال مطلب دیگری رخ می‌دهد، اشتباه فردی در نظر گرفته می‌شود که اعلام را انجام داده است.

### ماده 3-2-4

*(طریق جبران عدم اجرای تعهد)*  
در صورتی که اوضاع و احوالی که طرف اشتباه‌کننده بر آنها تکیه می‌کند، طوری باشد که طریق جبرانی برای عدم اجرای تعهد فراهم شود یا ممکن بود فراهم شود، طرف مزبور نمی‌تواند به دلیل اشتباه، قرارداد را ابطال کند.

### ماده 3-2-5

*(فریب)*  
در صورتیکه یک طرف بر اثر تدلیس طرف دیگر، به انعقاد قرارداد ترغیب و هدایت شده باشد، می‌تواند قرارداد را ابطال کند. تدلیس شامل بیان یا رفتار یا عدم افشای فریبکارانه اوضاع و احوالی می‌شود که بر طبق معیارهای متعارف تجاری برای معامله منصفانه، طرف دیگر موظف به افشای آنها بوده است.

در صورتیکه يك طرف بر اثر تدلیس طرف دیگر، به انعقاد قرارداد ترغیب و هدایت شده باشد، می‌تواند قرارداد را ابطال کند. تدلیس شامل بیان یا رفتار یا عدم افشای فریبکارانه اوضاع و احوالی می‌شود که بر طبق معیارهای متعارف تجاری برای معامله منصفانه، طرف دیگر موظف به افشای آنها بوده است.

### ماده 3-2-6

(تهدید)

در صورتی که يك طرف با تهدیدهای غیرموجه طرف دیگر، به سویی انعقاد قرارداد کشانده شود، تهدیدهایی که با توجه به اوضاع و احوال، چنان قریب‌الوقوع و جدی بوده‌اند که جایگزین متعارف دیگری را برای طرف اول باقی نگذاشته‌اند، او می‌تواند قرارداد را ابطال کند. يك تهدید بویژه در موردی غیرموجه است که فعل یا ترک فعلی که با آن طرف مزبور تهدید شده است، به خودی خود غلط باشد یا استفاده از آن به عنوان وسیله‌ای برای رسیدن به هدف انعقاد قرارداد، نادرست باشد.

### ماده 3-2-7

(اختلاف فاحش)

1) اگر در زمان انعقاد قرارداد، قرارداد یا شرطی از آن، بطور غیرقابل توجیه، مزیت بیش از حدی به طرف دیگر واگذار کند، طرف اول می‌تواند قرارداد یا شرط منفرد مزبور را ابطال کند. در این مورد باید از جمله به موارد زیر توجه داشت:

الف) این واقعیت که طرف دیگر از وابستگی، فشار اقتصادی یا نیازهای اضطراری طرف اول، یا از عدم آمادگی، جهل، بی‌تجربگی یا عدم مهارت او در چانه زدن، بطور غیرمنصفانه‌ای بهره برده است؛ و

ب) ماهیت و مقصود از قرارداد.

2) دادگاه می‌تواند بر مبنای درخواست طرفی که حق ابطال دارد، قرارداد یا شرطی از آن را تعدیل کند تا با معیارهای تجاری متعارف در معامله منصفانه منطبق شود.

3) دادگاه همچنین می‌تواند بر مبنای درخواست طرفی که اخطار ابطال را دریافت می‌کند، قرارداد یا شرطی از آن را تعدیل کند مشروط بر اینکه طرف مزبور، بلافاصله پس از دریافت اخطار مذکور، و قبل از اینکه طرف دیگر بر مبنای آن اقدام کرده باشد، او را از درخواست خود آگاه کرده باشد. مفاد بند (2) ماده 10-2-3، بسته به مورد اعمال می‌شود.

### ماده 8-2-3

(اشخاص ثالث)

1) در شرایطی که فریب، تهدید، اختلاف فاحش عوضین یا اشتباه یک طرف، قابل انتساب به شخصی ثالث که طرف دیگر مسؤول اقدامات اوست، باشد یا این شخص ثالث از آن موارد آگاه بوده یا باید آگاه می‌بوده است، قرارداد را به همان طریقی می‌توان ابطال کرد که گویی رفتار یا آگاهی مذکور منتسب به خود طرف دیگر بوده است.

2) در شرایطی که فریب، تهدید یا اختلاف فاحش عوضین، قابل انتساب به شخصی ثالث است که برای اقداماتش طرف دیگر مسؤول نیست، در صورتی می‌توان قرارداد را ابطال کرد که طرف مزبور از فریب، تهدید یا اختلاف فاحش عوضین آگاه بوده یا باید از آن آگاه می‌بوده یا اینکه در زمان ابطال، بطور معقول و متعارف با اتکا بر قرارداد اقدام نکرده است.

### ماده 9-2-3

(تنفید)

اگر طرفی که حق ابطال قرارداد را دارد، بعد از آنکه دوره زمانی مربوط به دادن اخطار ابطال

آغاز شده است، قرارداد را بطور صریح یا ضمنی  
تلفیند کند، ابطال قرارداد منتفی می‌شود.

### ماده 10-2-3

(از دست دادن حق ابطال)

1) اگر یکی از طرفهای قرارداد به دلیل اشتباه، حق ابطال قرارداد را داشته باشد اما طرف دیگر اعلام کند که می‌خواهد قرارداد به همان صورتی که طرف مستحق ابطال آن را می‌فهمد، اجرا شود یا خود، آن را به همان صورت اجرا کند، چنین تلقی می‌شود که قرارداد به همان نحوی که طرف اول آن را می‌فهمد، منعقد شده است. طرف دیگر باید بلافاصله بعد از اطلاع از نحوه تلقی قرارداد از سوی طرف مستحق ابطال، و قبل از آنکه طرف مزبور بر مبنای اخطار ابطال، اقدامی کرده باشد، اعلام اجرا بر طبق تلقی طرف اول یا اجرای مورد نظر را عملی سازد.

2) پس از اعلام یا اجرای مزبور، حق ابطال از میان می‌رود و هر اخطار ابطال قبل از آن، فاقد اثر قانونی می‌شود.

### ماده 11-2-3

(اخطار ابطال)

حق یک طرف برای ابطال قرارداد، با دادن اخطار به طرف دیگر عملی می‌شود.

### ماده 12-2-3

(مواعد)

1) دادن اخطار ابطال باید با در نظر گرفتن اوضاع و احوال، در مدت زمانی متعارف پس از اینکه طرف ابطال‌کننده از واقعیت‌های مرتبط آگاه شده یا نمی‌توانسته است از آنها بی‌اطلاع مانده باشد یا بعد از آنکه قابلیت اقدام آزادانه را به دست می‌آورد، عملی شود.



2) در صورتی که یک شرط منفرد از قرارداد را یکی از طرفهای قرارداد بر مبنای ماده 3-2-7 ابطال کند، موعد مربوط به دادن اخطار ابطال از زمانی آغاز می‌شود که طرف دیگر آن موعد را اعلام می‌کند.

### ماده 3-2-13

(ابطال جزئی)

در صورتیکه منشأ ابطال قرارداد فقط بر برخی از شروط آن مؤثر باشد، اثر ابطال به همان شروط محدود می‌شود؛ مگر اینکه با توجه به اوضاع و احوال، تأیید صحت بقیه قرارداد، غیرمعقول و غیرمتعارف باشد.

### ماده 3-2-14

(اثر عطف به‌ماسبق شونده ابطال)

ابطال دارای اثر عطف به‌ماسبق شونده است.

### ماده 3-2-15

(استرداد)

- 1) به محض ابطال قرارداد، هر یک از طرفین می‌تواند استرداد آنچه را که بر طبق قرارداد، یا بر طبق آن قسمت از قرارداد که ابطال شده، عرضه شده است، درخواست کند به شرطی که طرف مورد نظر بطور همزمان، آنچه را که بر طبق قرارداد، یا بر طبق آن قسمت از قرارداد که ابطال شده، دریافت کرده است، به طرف دیگر مسترد دارد.
- 2) اگر استرداد مثلی ممکن یا مناسب نباشد، در هر موردی که معقول و متعارف باشد

- مبلغ مقرر شده برای این منظور باید پرداخت شود.
- (3) در صورتی که بتوان عدم امکان استرداد مثلی را به طرف دیگر نسبت داد ذی نفع اجرای تعهد موظف به پرداخت مبلغ مقرر شده بجای استرداد مثلی نخواهد بود.
- (4) برای هزینه هایی که بطور معقول و متعارف برای نگهداری یا حفظ اجرای تعهد مورد نیاز بوده است می توان مطالبه غرامت کرد.

### ماده 3-2-16

(خسارات)

صرفنظر از اینکه قرارداد ابطال شده است یا نه، طرفی که از دلیل ابطال آگاه بوده یا باید از آن آگاه می‌بوده است، مسؤول پرداخت خسارات است؛ برای اینکه طرف دیگر را به همان وضعیتی برگرداند که در صورت عدم انعقاد قرارداد هم در آن وضعیت قرار می‌گرفت.

### ماده 3-2-17

(اعلامهای یکجانبه)

مقررات این فصل با تعدیلهای مناسب، در مورد هرگونه اعلام قصد که از سوی یکی از طرفهای قرارداد نسبت به طرف دیگر انجام شده است، اعمال می‌شود.

## قسمت 3: عدم مشروعیت

### ماده 3-3-1

(قراردادهای ناقض قواعد امری)

(1) در موردی که یک قرارداد قاعده ای امری، خواه با منشأ ملی، بین المللی خواه فوق

- ملی، را نقض می کند که بر طبق ماده 4-1 این اصول قابل اعمال است، آثار حقوقی آن نقض بر قرارداد، در صورتی که اثری موجود باشد، همان آثاری خواهد بود که بطور صریح توسط آن قاعده امری مقرر شده است.
- (2) در صورتی که قاعده امری بطور صریح آثار نقض بر قرارداد را مقرر نکند، طرفین این حق را خواهند داشت که طرق جبرانی را بر طبق قرارداد اعمال کنند که در اوضاع و احوال مورد نظر، معقول و متعارف باشد.
- (3) برای تعیین معقول و متعارف بودن باید بویژه موارد زیر را در نظر گرفت:
- الف) مقصود از قاعده ای که نقض شده است؛
- ب) مقوله اشخاصی که وجود قاعده مورد نظر برای حمایت از آنهاست؛
- ج) هر ضمانت اجرایی که بر طبق قاعده نقض شده ممکن است اعمال شود؛
- د) درجه جدی بودن نقض؛
- ه) اینکه آیا یکی از طرفین یا هر دو آنها از نقض مطلع بوده اند یا بایستی مطلع می بوده اند؛
- و) اینکه آیا اجرای تعهد قراردادی نقض را ایجاب می کرده است یا نه؛ و
- ز) انتظارات معقول طرفین.

### ماده 2-3-3

(استرداد)

- (1) در موردی که اجرای تعهد بر طبق قرارداد، ناقض یک قاعده امری بر طبق ماده 1-3-3 شده است، در صورتی که با در نظر گرفتن اوضاع و احوال معقول باشد می توان حق استرداد را [به طرفین] داد.
- (2) برای تعیین اینکه چه چیزی معقول و متعارف است، باید با تعدیل های مناسب به معیارهایی توجه کرد که در بند (3) ماده 1-3-3 به آنها ارجاع شده است.

(3) در صورت دادن حق استرداد، قواعد مقرر شده در ماده 15-2-3 با تعديل های مناسب اعمال خواهند شد.

## فصل 4: تفسير

### ماده 4-1

(قصد طرفين)

1) قرارداد باید مطابق قصد مشترک طرفین تفسیر شود.  
2) اگر نتوان چنین قصدي را احراز کرد، قرارداد باید بر طبق معنایي تفسیر شود که شخصي متعارف از همان نوع طرفین، در اوضاع و احوالی مشابه، آن معنا را برای قرارداد در نظر می‌گرفت.

### ماده 4-2

(تفسیر اظهارات و رفتارهای دیگر)

1) اظهارات و سایر رفتارهای يك طرف باید بر طبق قصد آن طرف تفسیر شود مشروط بر اینکه طرف دیگر از آن قصد آگاه بوده یا نمیتوانسته است از آن ناآگاه بوده باشد.  
2) اگر بند پیشین قابلیت اعمال نداشته باشد، اظهارات و سایر رفتارهای مزبور باید بر طبق معنایي تفسیر شوند که يك شخص متعارف از همان سنخ طرف دیگر، در اوضاع و احوالی مشابه، برای آنها در نظر می‌گرفت.

### ماده 4-3

(اوضاع و احوال مرتبط)

در اعمال مواد 4-1 و 4-2، باید تمامی اوضاع و احوال را در نظر داشت؛ از جمله:  
الف) مذاکرات مقدماتی بین طرفین؛

ب) رویه‌ای که طرفین بین خود برقرار کرده‌اند؛  
ج) رفتار طرفین متعاقب انعقاد قرارداد؛  
د) ماهیت قرارداد و مقصود از آن؛  
ه) معنایی که بطور معمول در تجارت مورد نظر  
به عبارات و اصطلاحات داده می‌شود؛  
و) عرفهای تجاری.

#### ماده 4-4

(ارجاع به قرارداد یا به يك عبارت در کلیت‌ش)  
شروط و اصطلاحات باید در پرتو کل قرارداد یا  
عبارتی که در آن ظاهر می‌شوند، تفسیر شوند.

#### ماده 4-5

(اثر حقوقی دادن به تمامی شروط)  
شروط قرارداد باید به نحوی تفسیر شوند که  
مرجعاً به تمامی شروط قرارداد اثر حقوقی داده  
شود، نه اینکه برخی از آنها فاقد اثر حقوقی  
شوند.

#### ماده 4-6

(قاعده تقدم تفسیر به زیان تنظیم‌کننده  
قرارداد) (Contra proferentem rule)  
اگر شروطی از قرارداد که توسط يك طرف ارائه  
شده‌اند، واضح نباشند، تفسیر آن شروط علیه طرف  
مزبور مرجح خواهد بود.

#### ماده 4-7

(ناهماهنگیهای زبانی)  
هنگامی که متن قرارداد به دو یا چند زبان  
تهیه شده که همه از اعتبار واحد برخوردارند،  
در صورت بروز ناهماهنگی در بین این زبان‌ها،

تفسیر بر اساس متنی مرجع خواهد بود که قرارداد از ابتدا به آن زبان تهیه شده است.

#### ماده 4-8

(فراهم آوردن يك شرط مسكوت مانده)

- 1) در صورتیکه طرفین يك قرارداد روي شرطي که براي تعیین حقوق و تکالیفشان مهم است توافق نکرده اند، شرطي که متناسب با آن اوضاع و احوال است باید فراهم آورده شود.
- 2) در تعیین يك شرط مناسب، از جمله باید به عوامل زیر توجه داشت:
  - الف) قصد طرفین قرارداد؛
  - ب) ماهیت قرارداد و مقصود از آن؛
  - ج) حسن نیت و معامله منصفانه؛
  - د) معقول و متعارف بودن.

### فصل 5

محتوای قرارداد، حقوق طرفهای ثالث

قسمت 1 : محتوای قرارداد

#### ماده 5-1-1

(تعهدات صریح و ضمنی)

تعهدات قراردادی طرفین ممکن است صریح یا ضمنی باشد.

#### ماده 5-1-2

(تعهدات ضمنی)

تعهدات ضمنی از موارد زیر ناشی میشوند:  
الف) ماهیت قرارداد و مقصود از آن؛

- (ب) رویه‌هایی که بین طرفین برقرار شده است و عرفهای تجاری؛  
(ج) حسن نیت و معامله منصفانه؛  
(د) معقول و متعارف بودن.

### ماده 5-1-3

(همکاری بین طرفین)

در صورتی که برای انجام تعهدات طرف دیگر، انجام همکاری بطور معقول و متعارف قابل انتظار باشد، هر طرف باید با طرف دیگر همکاری کند.

### ماده 5-1-4

(وظیفه دستیابی به نتیجه‌ای مشخص - وظیفه انجام حداکثر کوشش)

- 1) به میزانی که تعهد یک طرف مستلزم وظیفه‌ای برای دستیابی به نتیجه‌ای مشخص است، آن طرف ملتزم است که بدان نتیجه دست یابد.
- 2) به میزانی که تعهد یک طرف مستلزم وظیفه‌ای برای انجام حداکثر کوشش در اجرای یک فعالیت است، آن طرف ملتزم است که این تلاش را به نحوی انجام دهد که شخصی متعارف از همان سنخ در همان اوضاع و احوال، آن را انجام می‌داده است.

### ماده 5-1-5

(تعیین نوع وظیفه موجود)

- در تعیین اینکه تعهد یک طرف تا چه حد انجام حداکثر کوشش در اجرای یک فعالیت یا وظیفه‌ای برای دستیابی به نتیجه‌ای مشخص را شامل می‌شود، باید از جمله به عوامل زیر توجه داشت:
- الف) طریق بیان تعهد در قرارداد؛  
ب) مبلغ قرارداد و سایر شروط قرارداد؛  
ج) میزان خطری که بطور معمول در دستیابی به نتیجه مورد انتظار وجود دارد؛  
د) قابلیت طرف دیگر بر تأثیرگذاری بر اجرای تعهد مورد نظر.

## ماده 5-1-6

(تعیین کیفیت اجرای تعهد)

هنگامی که کیفیت اجرای تعهد قراردادی نه بطور قطع در قرارداد تعیین شده و نه از قرارداد قابل احراز است، هر طرف ملتزم است که کیفیتی از اجرا را که متعارف باشد و در اوضاع و احوال مورد نظر کمتر از حد متوسط نباشد، ارائه دهد.

## ماده 5-1-7

(تعیین مبلغ قرارداد)

1) هنگامی که مبلغی بطور قطعی در قرارداد تعیین نمی‌شود یا مقرراتی برای تعیین مبلغ در قرارداد موجود نیست، چنین تلقی می‌شود که در صورت نبود هیچگونه دلالت مخالفی، طرفین به مبلغی ارجاع داده‌اند که عموماً در زمان انعقاد قرارداد، برای اجرای تعهد مزبور در اوضاع و احوال قابل مقایسه با تجارت مورد نظر، به حساب گذاشته می‌شود یا اگر چنین مبلغی در دسترس نباشد، ارجاع به مبلغی متعارف، منظور نظر بوده است.

2) اگر قرار باشد مبلغ مورد نظر از سوی یک طرف تعیین شود و تعیین مزبور بطور آشکار غیرمعقول و غیرمتعارف باشد، بدون توجه به هر شرط قراردادی مخالف، قیمتی معقول و متعارف باید تعیین شود.

3) چنانچه قرار باشد یک طرف قرارداد یا یک شخص ثالث، مبلغ را تعیین کند و آن طرف قرارداد یا شخص ثالث این کار را انجام ندهد، مبلغ مزبور باید مبلغی معقول و متعارف باشد.

4) در صورتیکه قرار باشد مبلغ با ارجاع به عواملی احراز شود که وجود ندارند یا دیگر وجود ندارند یا دیگر قابل دسترسی نیستند،



نزدیکترین عامل معادل با عوامل مزبور باید به عنوان جانشین در نظر گرفته شود.

#### ماده 5-1-8

(خاتمه دادن قرارداد برای يك مدت نامعین)

قرارداد برای يك مدت نامعین را هر يك از طرفین می‌تواند با دادن يك اخطار پیش‌پیش در مدتی متعارف خاتمه دهد. ماده های 7.3.5 و 7.3.7 نسبت به آثار خاتمه دادن قرارداد به صورت کلی و همین طور موضوع استرداد قراردادی اعمال می شوند.

#### ماده 5-1-9

(ابراء به وسیله توافق)

1) ذینفع تعهد می‌تواند با توافق با متعهد، وی را از حق خودش ابراء کند.  
2) ایجابی برای ابراء بلاعوض از يك دین در صورتی قبول شده محسوب می‌شود که متعهد، پس از مطلع شدن از آن ایجاب، بدون تاخیر آن را رد نکند.

### قسمت 2: حقوق طرفهای ثالث

#### ماده 5-2-1

(قراردادهای به نفع طرفهای ثالث)

1) طرفین («وعده‌دهنده» و «طرف وعده») می‌توانند با توافق صریح یا ضمنی، حق را به يك طرف ثالث («ذینفع») اعطا کنند.  
2) موجودیت و مفاد حق ذینفع در مقابل وعده دهنده با توافق طرفین تعیین می‌شود و تابع هر شرط یا محدودیت دیگری بر طبق آن توافق است.

## ماده 5-2-2

(طرف ثالث قابل تعیین)

ذینفع وعده باید با قطعیتی مناسب در قرارداد قابل تعیین باشد ولی نیازی به این نیست که در زمان انعقاد قرارداد، وی موجود باشد.

## ماده 5-2-3

(قیود رفع یا محدود ساختن مسؤولیت)

اعطای حقوق به ذینفع شامل حق استناد به قیدی در قرارداد است که مسؤولیت ذینفع را رفع یا محدود می‌کند.

## ماده 5-2-4

(ایرادها)

وعده دهنده می‌تواند در مقابل ذینفع همه ایرادهایی را طرح کند که می‌توانسته در مقابل طرف وعده طرح نماید.

## ماده 5-2-5

(لغو حق)

طرفین می‌توانند حقوقی را که بر طبق قرارداد به ذینفع داده شده است تغییر دهند یا لغو کنند. این کار را تا زمانی می‌توان انجام داد که ذینفع آن حقوق را قبول نکرده یا بطور معقول و متعارف با اتکا بر آن حقوق اقدام نکرده است.

## ماده 5-2-6

(اعراض)

ذینفع می‌تواند از حقی که به وی اعطا شده است اعراض کند.

### قسمت 3 : شروط

#### ماده 5-3-1

(انواع شروط)

یک قرارداد یا تعهد قراردادی را می توان مشروط به وقوع یک واقعه آتی غیر قطعی کرد، با این نتیجه که قرارداد یا تعهد قراردادی فقط در صورتی نافذ می شود که واقعه مزبور محقق شود (شرط تعلیقی) یا اینکه قرارداد یا تعهد قراردادی فقط در صورتی منحل می شود که واقعه مورد نظر تحقق یابد (شرط فاسخ).

#### ماده 5-3-2

(آثار شروط)

در صورتی که طرفین بر خلاف آن توافق نکنند:  
(الف) قرارداد یا تعهد قراردادی مرتبط با شرط هنگامی نافذ می شود که شرط تعلیقی محقق شود؛  
(ب) قرارداد یا تعهد قراردادی مرتبط با شرط هنگامی منحل می شود که شرط فاسخ محقق شود.

#### ماده 5-3-3

(مداخله در شروط)

1) در صورتی که یکی از طرفین، بر خلاف تعهد حسن نیت و معامله منصفانه یا تعهد همکاری با طرف دیگر، مانع تحقق یک شرط شود، وی نمی تواند به عدم تحقق شرط استناد کند.  
2) در صورتی که یکی از طرفین، بر خلاف تعهد حسن نیت و معامله منصفانه یا تعهد همکاری با طرف

دیگر، باعث تحقق شرط شود، وی نمی تواند به تحقق شرط استناد کند.

#### ماده 5-3-4

(وظیفه حفظ و مراقبت از حقوق)

تا وقتی که شرطی محقق نشده است، یکی از طرفین نمی تواند بر خلاف وظیفه اقدام با حسن نیت و معامله منصفانه، به نحوی عمل کند که در صورت تحقق آن شرط به حقوق طرف دیگر صدمه ای وارد شود.

#### ماده 5-3-5

(استرداد در صورت تحقق یک شرط فاسخ)

1) در صورت تحقق یک شرط فاسخ، قواعد مربوط به استرداد که در مواد 7-3-6 و 7-3-7 مقرر شده اند با تطبیق های مناسب اعمال می شوند.

2) در صورتی که طرفین توافق کرده باشند که شرط فاسخ باید عطف به سابق شود، قواعد راجع به استرداد که در ماده 3-2-15 مقرر شده اند با تطبیق های مناسب اعمال می شوند.

## فصل 6: اجرای تعهدات

### قسمت 1: اجرای تعهدات بطور کلی

#### ماده 6-1-1

(زمان اجرای تعهد)

هر طرف باید تعهداتش را به نحو زیر اجرا کند:

الف) اگر در قرارداد، بطور قطعی زمانی تعیین شده، یا زمان از قرارداد قابل احراز است، تعهدات باید در آن زمان اجرا شوند؛

ب) اگر مدت زمانی بطور قطع در قرارداد تعیین شده یا از قرارداد قابل احراز است، در هر زمانی در طی آن مدت زمان، مگر اینکه اوضاع و احوال دلالت بر این داشته باشد که قرار است طرف دیگر زمانی را انتخاب کند؛

ج) در هر مورد دیگری، در طی زمانی معقول و متعارف پس از انعقاد قرارداد.

#### ماده 6-1-2

(اجرای تعهد در زمانی واحد یا به دفعات)

در موارد مشمول بندهای (ب) و (ج) ماده 6-1-1، هر طرف باید تعهداتش را در زمانی واحد اجرا کند به این شرط که اجرای تعهداتش در آن زمان واحد ممکن باشد و اوضاع و احوال نیز بر خلاف آن دلالت نکند.

#### ماده 6-1-3

(اجرای جزئی تعهدات)

1) ذینفع تعهد میتواند هنگامی که زمان انجام تعهد فرا رسیده، پیشنهاد اجرای جزئی تعهد را رد کند، چه این پیشنهاد با تضمین انجام باقیمانده تعهد همراه باشد، چه نباشد؛ مگر

اینکه ذینفع تعهد هیچ نفع مشروعی در رد پیشنهاد مزبور نداشته باشد.  
2) هزینه‌های اضافی که ذینفع تعهد به سبب اجرای جزئی متحمل شده است، قطع نظر از هر روش جبران دیگر، بر عهده متعهد خواهد بود.

#### ماده 6-1-4

(ترتیب اجرای تعهدات)

1) به میزانی که اجرای همزمان تعهدات طرفین ممکن باشد، آنها ملتزم به چنین اجرای هستند مگر اینکه اوضاع و احوال، برخلاف آن دلالت کند.  
2) به میزانی که اجرای تعهد از سوی فقط یکی از طرفین، نیازمند مدت زمانی باشد، آن طرف ملتزم است که ابتدا تعهداتش را انجام دهد مگر اینکه اوضاع و احوال، برخلاف آن دلالت کند.

#### ماده 6-1-5

(اجرای پیش از موعد تعهدات)

1) ذینفع تعهد می‌تواند اجرای پیش از موعد تعهدات را رد کند؛ مگر اینکه هیچ نفع مشروعی در انجام این کار نداشته باشد.  
2) قبول اجرای پیش از موعد از سوی یک طرف، بر زمان اجرای تعهدات خود او مؤثر نیست، مشروط بر اینکه زمان مزبور بدون توجه به اجرای تعهدات طرف دیگر تعیین شده باشد.  
3) هزینه‌های اضافی را که به سبب اجرای مقدم بر ذینفع تحمیل شده است، باید قطع نظر از سایر طرق جبران [هزینه‌های] موجود، متعهد بر عهده گیرد.

## ماده 6-1-6

(محل اجرای تعهد)

1) در صورتیکه محل اجرای تعهد بطور قطعی در قرارداد تعیین نشده باشد یا از قرارداد قابل احراز نباشد، هر طرف باید تعهداتش را به نحو زیر اجرا کند:

الف) تعهد پولی باید در محل تجاری ذینفع تعهد انجام شود؛

ب) هر تعهد دیگری باید در محل تجاری متعهد انجام شود.

2) هر طرف باید هرگونه افزایش هزینه را که برای اجرای تعهداتش، تبعی و به سبب تغییر محل تجاری او، متعاقب بر انعقاد قرارداد حاصل شده است، متحمل شود.

## ماده 6-1-7

(پرداخت با چک یا سند دیگر)

1) پرداخت می‌تواند به هر شکل مورد استفاده در روال معمول تجاری در محل پرداخت انجام شود.

2) با این وجود، فرض بر این است که ذینفع یک تعهد که یا مطابق با بند (1) فوق یا بطور اختیاری، چک، هر حواله دیگر یا تعهدی برای پرداخت را می‌پذیرد، این کار را فقط به این شرط انجام می‌دهد که مبلغ چک، حواله یا تعهد مزبور تأدیه خواهد شد.

## ماده 6-1-8

(پرداخت از طریق انتقال وجوه)

1) پرداخت را می‌توان از طریق انتقال وجوه به هر یک از مؤسسه‌های مالی که ذینفع، داشتن حسابی در آنها را به اطلاع رسانده است انجام داد؛ مگر اینکه ذینفع تعهد، حسابی ویژه را معین کرده باشد.

2) در مورد پرداخت از طریق انتقال وجوه،  
تعهد متعهد هنگامی ایفا می‌شود که انتقال وجوه  
به مؤسسه مالی ذینفع انجام شده باشد.

#### ماده 6-1-9

(پول پرداخت)

1) اگر یک تعهد پولی، به پولی غیر از واحد پول رایج در محل پرداخت بیان شده باشد متعهد می‌تواند پرداخت مبلغ آن را به واحد پول رایج در محل پرداخت انجام دهد؛ مگر در موارد زیر:  
الف) آن واحد پولی، آزادانه قابل تسعیر نباشد؛ یا

ب) طرفین توافق کرده باشند پرداخت فقط به واحد پولی انجام شود که تعهد پولی به آن واحد بیان شده است.

2) اگر برای متعهد امکان‌پذیر نباشد که پرداخت را به واحد پولی که تعهد پولی به آن بیان شده است انجام دهد، ذینفع می‌تواند پرداخت به واحد پول محل پرداخت را درخواست کند، حتی در موردی که در جزء (ب) بند (1) فوق به آن اشاره شده است.

3) پرداخت به واحد پول محل پرداخت باید مطابق با نرخ تبدیل عملی معمول در زمان فرارسیدن موعد پرداخت صورت پذیرد.

4) اما اگر متعهد در زمانی که موعد پرداخت فرا رسیده است، [مبلغ تعهد را]، نپردازد، ذینفع تعهد می‌تواند پرداخت بر طبق نرخ تبدیل عملی معمول در زمانی که موعد پرداخت فرا رسیده یا در زمان پرداخت واقعی را درخواست کند.

#### ماده 6-1-10

(پول تصریح نشده)

هنگامی که تعهد پولی، به پول مشخصی تصریح نشده است، پرداخت باید به پول محلی که قرار است پرداخت در آن انجام شود، صورت پذیرد.



## ماده 6-1-11

(هزینه‌های اجرای تعهد)

هر طرف باید هزینه‌های اجرای تعهداتش را متقبل شود.

## ماده 6-1-12

(انتساب پرداختها)

1) متعهدی که چند تعهد پولی را در مقابل یک ذینفع تعهد بر عهده دارد، می‌تواند در زمان پرداخت دین مشخص کند که کدام دین را می‌پردازد. با این وجود، پرداخت انجام شده ابتدا برای پرداخت هزینه‌ها، سپس برای پرداخت بهره دین و در انتها برای پرداخت اصل دین مصرف می‌شود.

2) در صورتی که متعهد مشخص نکند کدام دین را پرداخته است، در طی مدت زمانی متعارف پس از پرداخت، ذینفع تعهد می‌تواند به متعهد اعلام کند که پرداخت را برای کدام دین در نظر می‌گیرد به این شرط که موعد تعهد مزبور رسیده باشد و مورد اختلاف نباشد.

3) در فقدان انتساب دادن پرداخت که در بندهای (1) و (2) فوق ذکر شده است، پرداخت به تعهدی انتساب داده می‌شود که یکی از چهار معیار زیر در مورد آن صادق باشد و در این انتساب دادن، ترتیب زیر رعایت می‌شود:

الف) تعهدی که موعد آن رسیده، یا اولین تعهدی است که موعدش می‌رسد؛

ب) تعهدی که ذینفع تعهد، کمترین وثیقه را برای آن دارد؛

ج) تعهدی که بیشترین مسؤلیت را برای متعهد دارد؛

د) تعهدی که ابتدا ایجاد شده است. اگر هیچ‌یک از چهار معیار فوق مصداق نداشته باشد، پرداخت به کلیه تعهدات به نسبت مبلغ هر یک از آنها انتساب داده می‌شود.

### ماده 6-1-13

(انتساب [اجرای] تعهدات غیرپولی)

ماده 6-1-12 با تعدیلهای مناسب، در مورد انتساب اجرای تعهدات غیرپولی نیز اعمال می‌شود.

### ماده 6-1-14

(درخواست مجوز عمومی)

هنگامی که قانون یک کشور، مجوزی عمومی را که بر اعتبار قرارداد یا اجرای تعهدات آن مؤثر است، مقتضی می‌سازد و قانون مزبور و اوضاع و احوال موجود، دلالت مخالفی ندارند:

الف) اگر محل تجاری فقط یکی از طرفها در آن کشور باشد، آن طرف باید تدابیر لازم برای اخذ آن مجوز را اتخاذ کند؛

ب) در هر مورد دیگر، طرفی که اجرای تعهد از سوی او نیازمند مجوز است، باید تدابیر لازم را اتخاذ کند.

### ماده 6-1-15

(روال درخواست مجوز)

1) طرفی که مکلف است تدابیر ضروری برای اخذ مجوز را اتخاذ کند، باید این کار را بدون تأخیر غیرموجه انجام دهد و همه هزینه‌های به بار آمده را متحمل شود.

2) در موارد مقتضی، طرف مزبور باید بدون تأخیر غیرموجه، طرف دیگر را از اعطا یا رد اعطای مجوز مذکور مطلع سازد.

## ماده 6-1-16

(عدم اعطای یا عدم رد اعطای مجوز)

1) اگر با وجود این واقعیت که طرف مسؤل، همه تدابیر مقتضی را اتخاذ کرده است، در مدت زمان توافق شده، یا -- اگر بر مدت زمانی توافق نشده باشد -- در طی زمانی متعارف از انعقاد قرارداد، مجوز اعطای یا رد نشود، هر يك از طرفین می‌تواند به قرارداد خاتمه دهد.

2) هنگامی که مجوز فقط بر برخی شروط تأثیر می‌گذارد، بند (1) فوق در صورتی اعمال نمی‌شود که با توجه به اوضاع و احوال، متعارف و معقول باشد که حتی در صورت رد اعطای مجوز، بقیه قرارداد معتبر تلقی شود.

## ماده 6-1-17

(رد اعطای مجوز)

1) با رد اعطای مجوزی که بر اعتبار قرارداد مؤثر است، قرارداد باطل می‌شود. اگر رد اعطای مجوز، تنها بر اعتبار برخی شروط مؤثر باشد، در صورتی که با توجه به اوضاع و احوال، متعارف و معقول باشد که اعتبار بقیه قرارداد حفظ شود، فقط شروط مذکور باطل خواهند بود.

2) هنگامی که با رد اعطای مجوز، اجرای تعهدات قرارداد بطور کلی یا جزئی غیرممکن می‌شود، قواعد مربوط به عدم اجرای تعهدات اعمال می‌شوند.

## قسمت 2: عسر و حرج

## ماده 6-2-1

(قراردادی که رعایت آن الزامی است)

هنگامی که اجرای تعهدات قرارداد برای یکی از طرفین مسؤلیت بیشتری ایجاد می‌کند، آن طرف به

هر حال، مشروط به مقررات آتی درباره عسر و حرج، ملزم به اجرای تعهداتش است.

## ماده 2-2-6

(تعریف عسر و حرج)

هنگامی عسر و حرج پیش می‌آید که بروز حوادثی، تعادل قرارداد را بطور اساسی بر هم می‌زند بدین خاطر که یا هزینه اجرای تعهد در مورد یک طرف افزایش می‌یابد یا ارزش دریافتی از اجرای تعهد برای یک طرف کاهش می‌یابد؛ و

الف) بروز حوادث یا مطلع شدن طرف زیان‌دیده از وقوع آنها، پس از انعقاد قرارداد صورت می‌گیرد؛

ب) در زمان انعقاد قرارداد، بطور متعارف طرف زیان‌دیده نمی‌توانسته است این وقایع را مد نظر قرار دهد؛

ج) وقایع مزبور، خارج از کنترل طرف زیان‌دیده است؛ و

د) طرف زیان‌دیده، مسئولیت احتمال خطر ناشی از وقایع را بر عهده نگرفته است.

## ماده 3-2-6

(آثار عسر و حرج)

1) در مورد عسر و حرج، طرف زیان‌دیده حق دارد درخواست مذاکره مجدد کند. این درخواست باید بدون تأخیر غیرموجه انجام شود و بیانگر دلایلی باشد که درخواست بر آن دلایل مبتنی است.

2) درخواست مذاکره مجدد، به خودی خود، حق خودداری از اجرای تعهدات را به طرف زیان‌دیده نمی‌دهد.

3) در صورت عدم دستیابی به توافق در مدتی متعارف، هریک از طرفین می‌تواند به دادگاه متوسل شود.

4) اگر دادگاه عسر و حرج را تأیید کند، در صورت متعارف و معقول بودن،

الف) در تاریخی [مشخص] و بر مبنای شروطی که تعیین می‌شود، به قرارداد خاتمه می‌دهد؛ یا  
ب) با توجه به برقراری مجدد تعادل و موازنه در قرارداد، قرارداد را تعدیل می‌کند.

## فصل 7

### عدم اجرای تعهدات

#### قسمت 1: عدم اجرای تعهد بطور کلی

##### ماده 7-1-1

(عدم اجرای تعریف شده)

عدم اجرای تعهد عبارت است از کوتاهی یک طرف در اجرای هر یک از تعهدات قراردادی اش که شامل اجرای معیوب و ناقص یا همراه با تأخیر نیز می‌شود.

##### ماده 7-1-2

(مداخله طرف دیگر)

یک طرف قرارداد نمی‌تواند تا آن میزان که عدم اجرای تعهدات قرارداد از سوی طرف دیگر به دلیل فعل یا ترک فعل خود وی است یا به موجب واقعه دیگری است که مسؤلیت آن بر عهده خود وی می‌باشد، بر عدم اجرای تعهد از سوی طرف دیگر تکیه کند.

##### ماده 7-1-3

(خودداری از اجرای تعهد [حق حبس])

1) در موردی که قرار است طرفین قرارداد تعهداتشان را بطور همزمان انجام دهند، هر یک

از طرفین می‌تواند تا زمانی که طرف دیگر تعهدش را اجرا نمی‌کند، از اجرای تعهدش خودداری کند. (2) در جایی که قرار است اجرای تعهدات طرفهای قرارداد بطور متوالی باشد، طرفی که قرار است تعهدش را دیرتر انجام دهد می‌تواند تا زمانی که طرف اول تعهدش را انجام نداده است، از اجرای تعهدش خودداری کند.

#### ماده 4-1-7

(جبران [عدم اجرای تعهد] از سوی طرف مسؤول  
عدم اجرا)

- 1) طرف مسؤول عدم اجرا می‌تواند به هزینه خود، هرگونه عدم اجرایی را جبران کند به شرط اینکه:
  - الف) بدون تأخیر غیرموجه، خطاری مبنی بر نحوه پیشنهادی جبران عدم اجرا و زمان‌بندی آن را به طرف دیگر بدهد؛
  - ب) اقدام جبرانی مزبور در اوضاع و احوال مورد نظر مناسب باشد؛
  - ج) طرف زیان‌دیده نفع مشروعی در رد اقدام جبرانی مزبور نداشته باشد؛
  - د) اقدام جبرانی بلافاصله انجام شود.
- 2) حق جبران عدم اجرای تعهد با اخطار خاتمه دادن به قرارداد از میان نمی‌رود.
- 3) بر مبنای اخطار مؤثر برای جبران عدم اجرا، حقوق طرف زیان‌دیده که ناهماهنگ با اجرای تعهد از سوی طرف مسؤول عدم اجراست، تا انقضای زمان جبران عدم اجرا، معلق می‌شود.
- 4) طرف زیان‌دیده می‌تواند تا زمان جبران عدم اجرا، از انجام تعهداتش خودداری کند.
- 5) با وجود جبران عدم اجرا، طرف زیان‌دیده حق خود را برای مطالبه خسارات ناشی از تأخیر و نیز خسارات صدمات ناشی از جبران عدم اجرا یا صدماتی که جبران عدم اجرا را برطرف نکرده است، حفظ می‌کند.

## ماده 5-1-7

(مدت زمان اضافی برای اجرای تعهد)

1) در مورد عدم اجرای تعهد، طرف زیان‌دیده می‌تواند با اخطار به طرف دیگر، مدت زمانی اضافی برای اجرای تعهد در اختیار او قرار دهد. 2) در طی این مدت زمان اضافی، طرف زیان‌دیده می‌تواند از انجام تعهدات متقابل خود خودداری کند، همچنین می‌تواند ادعای مطالبه خسارات کند اما نمی‌تواند به طریق جبران دیگری متوسل شود. اگر طرف زیان‌دیده اخطاری از طرف دیگر دریافت کند مبنی بر اینکه طرف مزبور در طی مدت زمان مذکور از انجام تعهدش خودداری خواهد کرد، یا اگر در انقضای آن مدت، اجرای قانونی تعهد عملی نشده باشد، طرف زیان‌دیده می‌تواند به هر یک از طرق جبران که ممکن است بر طبق مفاد این فصل در دسترس باشد، متوسل شود.

3) هنگامی که در مورد تأخیر غیراساسی در اجرای تعهد، طرف زیان‌دیده اخطاری داده که به موجب آن، مدت زمانی اضافی و متعارف از نظر طول مدت مجاز شده باشد، در انتهای آن مدت، طرف زیان‌دیده می‌تواند به قرارداد خاتمه دهد. اگر طول مدت زمان اضافی مجاز شده، متعارف نباشد، برای مدتی متعارف باید تمدید شود. طرف زیان‌دیده می‌تواند در اخطارش مقرر کند که اگر طرف دیگر در انجام تعهداتش در مدت زمان مقرر شده در اخطار کوتاهی کند، قرارداد به خودی خود منفسخ خواهد شد.

4) بند (3) فوق در موردی که تعهد اجرا نشده، فقط جزء کوچکی از تعهدات قراردادی طرف مسؤول عدم اجرا را تشکیل می‌دهد، اعمال نمی‌شود.

## ماده 6-1-7

(قیود معافیت)

قیدی که به موجب آن، مسؤولیت ناشی از عدم اجرای تعهد یک طرف قرارداد محدود یا منتفی می‌شود یا به یک طرف اجازه داده می‌شود اجرای

تعهد را بطور اساسي متفاوت با آن چيزي كند كه طرف ديگر بطور متعارف انتظار داشته، در صورتي غيرقابل استناد است كه انجام آن، با در نظر گرفتن مقصود از قرارداد، كاملاً غيرمنصفانه باشد.

## ماده 7-1-7

(قوه قهریه)

1) عدم اجراي تعهد از سوي يك طرف قرارداد، در صورتي معذور است كه طرف مزبور ثابت كند عدم اجراي تعهد به دليل وجود مانعي فزاتر از كنترل وي بوده و در زمان انعقاد قرارداد، بطور متعارف انتظار نميرفته است كه مانع مزبور به حساب آورده شود يا از آن يا از نتايج آن اجتناب شود يا بر آن مانع يا نتايج آن غلبه شود.

2) در صورتي كه مانع فقط موقتي باشد، عذر [قوه قهریه]، با در نظر گرفتن اثر مانع مزبور بر اجراي تعهدات قراردادي، براي مدت زماني متعارف قابل قبول خواهد بود.

3) طرفي كه در اجراي تعهداتش كوتاهي مي كند، بايد خطاري مبني بر وجود مانع و اثر آن بر توانايي وي براي اجراي تعهداتش، به طرف ديگر بدهد. اگر در مدت زماني متعارف، پس از اينكه طرف مسؤل عدم اجرا از وجود مانع آگاه شده يا بايستي از آن آگاه مي شده است، طرف ديگر خطار مذكور را وصول نكند، وي مسؤل خسارات ناشي از عدم وصول است.

4) مفاد اين ماده به هيچوجه يك طرف قرارداد را از اجراي حق خود براي خاتمه دادن به قرارداد يا خودداري از اجرا يا درخواست بهره در قبال پولي كه موعود پرداختش رسیده است، منع نمي كند.



## قسمت 2 : حق الزام اجرائی تعهد

### ماده 1-2-7

(اجرائی تعهد پولی)

در صورتی که طرف متعهد به پرداخت پول، [در اجرائی تعهد خود] کوتاهی کند، طرف دیگر می‌تواند الزام به پرداخت را مطالبه کند.

### ماده 2-2-7

(اجرائی تعهدات غیر پولی)

در صورتی که طرف متعهد به تعهدی غیر از پرداخت پول، در اجرائی تعهدش کوتاهی کند، طرف دیگر می‌تواند اجرائی تعهد را مطالبه کند؛ مگر اینکه:

الف) اجرائی تعهد از نظر حقوقی یا عملی غیرممکن باشد؛

ب) اجرائی تعهد، یا -- در موارد مرتبط -- الزام به اجرائی تعهد، بطور غیرمتعارف سنگین یا پرهزینه باشد؛

ج) طرف مستحق اجرائی تعهد بتواند بطور متعارف، اجرائی تعهد را از منشأ دیگری تحصیل کند؛

د) اجرائی تعهد از یک مشخصه منحصرأ شخصی برخوردار باشد؛ یا

ه) طرف مستحق اجرائی تعهد، در مدت زمانی متعارف پس از اینکه از عدم اجرا آگاه شده، یا بایستی از آن آگاه می‌شده است، اجرائی تعهد را مطالبه نکرده باشد.

### ماده 3-2-7

(برطرف کردن عیب و نقص و جایگزین کردن برای اجرائی معیوب و ناقص)

حق مربوط به اجرائی تعهد در موارد مناسب، شامل حق درخواست جبران عیب و نقص، جایگزین

کردن، یا جبران دیگری برای اجرای معیوب و ناقص تعهد می‌شود. مفاد ماده‌های 7-2-1 و 7-2-2 منطبق با مورد اعمال می‌شوند.

#### ماده 7-2-4

(جریمه قضایی)

1) هنگامی که دادگاه خطاب به یک طرف، قرار اجرای تعهد را صادر کند، می‌تواند مقرر کند که طرف مزبور در صورت عدم رعایت مفاد قرار، جریمه پردازد.

2) جریمه باید به طرف زیان‌دیده پرداخته شود مگر اینکه در مقررات امری قانون مقرر رسیدگی، به نحو دیگری مقرر شده باشد. پرداخت جریمه به طرف زیان‌دیده، مانع از مطالبه خسارات نمی‌شود.

#### ماده 7-2-5

(تغییر طریق جبران)

1) طرف زیان‌دیده‌ای که اجرای یک تعهد غیرپولی را درخواست کرده و آن را در مدت زمانی معین یا به طریق دیگری در مدت زمانی متعارف به دست نیاورده است، می‌تواند به هر طریق جبرانی دیگر استناد کند.

2) در صورتی که تصمیم دادگاه را برای اجرای یک تعهد غیرپولی نتوان اجرا کرد، طرف زیان‌دیده می‌تواند به هر طریق جبرانی دیگر استناد کند.

### قسمت 3: خاتمه یافتن

#### ماده 7-3-1

(حق خاتمه دادن به قرارداد)

1) هر طرف می‌تواند به قرارداد خاتمه دهد اگر کوتاهی طرف دیگر در اجرای یک تعهد، بر طبق

قرارداد، معادل با عدم اجرای اساسی تعهد باشد.

2) در تعیین اینکه آیا کوتاهی در اجرای تعهد، معادل با عدم اجرای اساسی است یا نه، بویژه باید به امور زیر توجه داشت:

الف) اینکه عدم اجرای تعهد، طرف زیان دیده را بطور اساسی از آنچه بر طبق قرارداد مستحق بوده انتظارش را داشته باشد، محروم می‌کند یا نه؛ مگر اینکه طرف دیگر نتیجه مزبور را پیش‌بینی نکرده یا بطور متعارف نمی‌توانسته است آن را پیش‌بینی کرده باشد؛

ب) اینکه رعایت دقیق تعهدی که اجرا نشده، رکن قرارداد بوده است یا نه؛

ج) اینکه عدم اجرای تعهد، عمده بوده یا از روی بی‌احتیاطی؛

د) اینکه عدم اجرای تعهد به طرف زیان دیده حق می‌دهد به این اعتقاد برسد که نمی‌تواند بر اجرای آتی تعهدات از سوی طرف دیگر اتکا کند یا نه؛

ه) اینکه اگر به قرارداد خاتمه داده شود، طرف مسؤول عدم اجرا در نتیجه آماده کردن مقدمات یا اجرای تعهد، متحمل زیان نامتناسبی خواهد شد یا نه.

3) در صورت تأخیر هم طرف زیان دیده می‌تواند در صورتیکه طرف دیگر قبل از انقضای زمان مجاز شده از سوی طرف زیان دیده در ماده 5-1-7، در اجرای تعهد کوتاهی کند، به قرارداد خاتمه دهد.

## ماده 2-3-7

(اخطار خاتمه دادن به قرارداد)

1) حق یک طرف برای خاتمه دادن به قرارداد، با دادن اخطار به طرف دیگر اعمال می‌شود.

2) اگر ارائه اجرای تعهد پس از موعد باشد یا به طریق دیگری، اجرا منطبق با قرارداد نباشد، طرف زیان دیده حق خود را برای خاتمه دادن به قرارداد از دست خواهد داد مگر اینکه در مدت زمانی متعارف، پس از اینکه از ارائه اجرای

تعهد یا اجرای تعهد غیرمنطبق با قرارداد آگاه شده یا بایستی آگاه می‌شده است، به طرف دیگر اخطار داده باشد.

### ماده 7-3-3

(عدم اجرای پیش بینی شده)

در صورتیکه پیش از تاریخ اجرای تعهد از سوی یکی از طرفین، آشکار باشد که عدم اجرای اساسی تعهد از سوی آن طرف محقق خواهد شد، طرف دیگر می‌تواند به قرارداد خاتمه دهد.

### ماده 7-3-4

(تضمین مناسب اجرای مقرر شده)

طرفی که بطور معقول و متعارف، اعتقاد دارد که عدم اجرای اساسی تعهد از سوی طرف دیگر محقق خواهد شد، می‌تواند خواستار تضمین مناسب برای اجرای مقرر شده باشد و در عین حال از اجرای تعهداتش خودداری کند؛ و در صورتی که تضمین مزبور در مدت زمانی متعارف فراهم آورده نشود، به قرارداد خاتمه دهد.

### ماده 7-3-5

(آثار کلی خاتمه دادن به قرارداد)

- 1) خاتمه دادن به قرارداد، طرفین را از تعهداتشان برای اجرا و دریافت تعهدات آتی معاف می‌دارد.
- 2) خاتمه دادن به قرارداد، مانع از مطالبه خسارات به دلیل عدم اجرا نمی‌شود.
- 3) خاتمه دادن به قرارداد، تأثیری بر مقرره‌ای در قرارداد درباره حل و فصل دعاوی یا هر شرط دیگری که قرار است حتی پس از خاتمه یافتن قرارداد اجرا شود، ندارد.

### ماده 6-3-7

(استرداد در قراردادهایی که به صورت آنی اجرا می شوند)

1) با خاتمه یافتن قراردادی که به صورت آنی اجرا می شود، هر طرف می تواند خواهان استرداد هر چیزی باشد که بر طبق قرارداد در اختیار [طرف دیگر] قرار داده است، به این شرط که طرف مزبور نیز بطور همزمان هر چیزی را که بر طبق قرارداد دریافت کرده است، مسترد کند.

2) اگر استرداد مثلی ممکن یا مناسب نباشد، هرگاه متعارف و معقول باشد، باید بدل پولی برای این کار اختصاص داده شود.

3) طرفی که از اجرای تعهد منتفع شده است موظف به پرداخت بدل پولی نخواهد بود به این شرط که امکان پذیر نبودن استرداد مثلی به طرف دیگر قرارداد قابل انتساب باشد.

4) برای هزینه هایی که به طور معقول و متعارف برای حفظ کردن و نگهداری از اجرای تعهدی که به نفع یک طرف اجرا شده مورد نیاز هستند می توان [از طرف دیگر قرارداد] درخواست پرداخت غرامت کرد.

### ماده 7-3-7

(استرداد در قراردادهایی که اجرای آنها برای مدت زمانی ادامه می یابد)

1) با خاتمه یافتن قراردادی که اجرای تعهداتش برای یک مدت زمانی ادامه یافته و در صورتی که قرارداد قابل تجزیه باشد، استرداد مزبور را فقط برای مدت زمان پس از خاتمه یافتن قرارداد می توان مطالبه کرد.

2) تا آنجا که به اجرای استرداد مربوط می شود، مفاد ماده 6-3-7 اعمال می شود.

## قسمت 4 : خسارات

### ماده 1-4-7

(حق مطالبه خسارات)

هر عدم اجرائی تعهد به طرف زیان‌دیده، حق مطالبه خسارات را یا بطور انحصاری یا به همراه هر طریق جبران دیگری می‌دهد؛ مگر هنگامی که عدم اجرائی تعهد بر طبق این «اصول» معذور باشد.

### ماده 2-4-7

(غرامت کامل)

1) طرف زیان‌دیده، به دلیل متحمل شدن صدمات ناشی از عدم اجرا، مستحق دریافت غرامت کامل است. این صدمات، هرگونه زیان وارده و هرگونه نفعی را شامل می‌شود که وی از آن محروم شده است آن هم با احتساب هرگونه نفع مکتسب از سوی طرف زیان‌دیده که ناشی از اجتناب از هزینه یا صدمه باشد.

2) صدمه مزبور ممکن است غیرمالي و به عنوان مثال شامل صدمه جسمی یا فشار روحی باشد.

### ماده 3-4-7

(قطعیت صدمه)

1) پرداخت غرامت فقط برای وارد شدن مقرر می‌شود، از جمله صدمه آتی، که با درجه‌ای متعارف و معقول از قطعیت تعیین می‌شود.

2) غرامت ممکن است برای از دست دادن فرصت، به تناسب احتمال وقوع آن، مقرر شود.

3) در شرایطی که نتوان میزان خسارت را با درجه‌ای کافی از قطعیت احراز کرد، تعیین میزان آن به صلاحدید دادگاه خواهد بود.

#### ماده 7-4-4

(قابل پیش‌بینی بودن صدمه)

طرف مسؤول عدم اجرای تعهد، فقط مسؤول صدمه‌ای است که در زمان انعقاد قرارداد، آن را به عنوان صدمه‌ای که احتمال داشت از عدم اجرای تعهد از سوی او حاصل شود، پیش‌بینی کرده بود یا بطور متعارف می‌توانسته پیش‌بینی کرده باشد.

#### ماده 7-4-5

(اثبات صدمه در مورد معامله جایگزین)

هنگامی که طرف زیان‌دیده به قرارداد خاتمه داده و در طی مدتی متعارف و به طریقی معقول، معامله‌ای جایگزین منعقد کرده باشد، می‌تواند مابه‌التفاوت مبلغ قراردادی و مبلغ معامله جایگزین، و نیز خسارات ناشی از هر صدمه دیگری را وصول کند.

#### ماده 7-4-6

(اثبات میزان صدمه به مبلغ رایج)

1) طرف زیان‌دیده می‌تواند در شرایطی که به قرارداد خاتمه داده و معامله جایگزینی منعقد نکرده است اما مبلغ رایجی برای اجرای موضوع تعهد وجود دارد، مابه‌التفاوت مبلغ قراردادی و مبلغ رایج در زمان خاتمه یافتن قرارداد، و نیز خسارات ناشی از هر صدمه دیگری را وصول کند.

2) مبلغ رایج، مبلغی است که عموماً برای کالاهای تحویل شده یا خدمات انجام شده در اوضاع و احوال قابل قیاس، در محلی که قرارداد باید اجرا می‌شده است، به حساب گذاشته می‌شود؛ یا اگر در آن محل هیچ مبلغ رایجی موجود نباشد، مبلغ رایج در محل دیگری که ارجاع به آن معقول و متعارف به نظر برسد، محاسبه می‌شود.

#### ماده 7-4-7

(صدمه‌ای که بخشی از آن ناشی از طرف زیان‌دیده باشد)

در شرایطی که بخشی از ورود صدمه ناشی از فعل یا ترك فعل طرف زیان‌دیده یا واقعه دیگری باشد که خطر احتمالی آن به عهده طرف زیان‌دیده است، میزان خسارات باید به میزانی که این عوامل، با توجه به رفتارهای هریک از طرفین، در وقوع صدمه و زیان نقش داشته‌اند، تقلیل داده شود.

#### ماده 7-4-8

(تقلیل صدمه)

1) طرف مسؤول عدم اجرای تعهد، مسؤول آن قسمت از صدمه وارده بر طرف زیان‌دیده که با اقدامات معقول و متعارف طرف زیان‌دیده ممکن بود تقلیل داده شود، نیست.

2) طرف زیان‌دیده مستحق است هر هزینه‌ای را که بطور متعارف در تلاش برای تقلیل صدمه متحمل شده است، دریافت کند.

#### ماده 7-4-9

(بهره کوتاهی در پرداخت پول)

1) اگر هریک از طرفها در پرداخت مبلغی که موعد آن رسیده است، کوتاهی کند، طرف زیان‌دیده مستحق است بهره مبلغ مزبور از تاریخ رسیدن موعد تا تاریخ پرداخت آن را هم دریافت کند؛ خواه این عدم پرداخت معذور باشد یا نباشد.

2) نرخ بهره، با نرخ وام کوتاه مدت بانكهای متوسط به وام‌گیرندگان عمده که در محل پرداخت، حاکم بر پول پرداخت است، برابر است؛ و اگر چنین نرخي در محل مزبور وجود نداشته باشد، معادل است با نرخ مشابهي در کشور پول پرداخت. در صورت نبود چنین نرخي در هر دو محل، نرخ بهره عبارت است از نرخ مناسب تثبیت شده در قانون کشور پول پرداخت.



3) طرف زیان‌دیده در صورتی مستحق جبران خسارات اضافی است که عدم پرداخت سبب شده باشد صدمه بزرگتری بر او وارد آید.

#### ماده 7-4-10

(بهره خسارات)

بهره خسارات ناشی از عدم اجرای تعهد برای تعهدهای غیرپولی، از زمان عدم اجرا محقق می‌شود؛ مگر آنکه به نحو دیگری توافق شود.

#### ماده 7-4-11

(نحوه جبران پولی)

1) خسارات باید یکجا پرداخت شود؛ اما در مواردی که ماهیت صدمه اقتضا می‌کند، می‌توان آن را به اقساط پرداخت کرد.  
2) تغییرات خساراتی که قرار است به اقساط پرداخت شوند را می‌توان بر تغییرات شاخص افزایش متوسط قیمت‌ها منطبق ساخت.

#### ماده 7-4-12

(پولی که خسارات به آن محاسبه می‌شود)

خسارات یا به پولی که تعهد پولی به آن بیان شده، یا به پولی که صدمه و زیان بر مبنای آن تحمل شده است -- هرکدام که مناسبتر باشد -- محاسبه می‌شود.

#### ماده 7-4-13

(پرداخت توافق شده برای عدم اجرای تعهد)

1) هنگامی که در قرارداد مقرر شده باشد که طرفی که تعهدش را اجرا نکرده است، باید به دلیل این عدم اجرا، مبلغ مشخصی را به طرف زیان‌دیده بپردازد، طرف زیان‌دیده بدون توجه به

صدمه واقعي‌اش، مستحق دريافت آن مبلغ مشخص خواهد بود.

2) اما به رغم هرگونه توافقي بر خلاف آن، مي‌توان در مواردی که مبلغ مشخص شده، در ارتباط با صدمه و زيان ناشی از عدم اجراي تعهد و اوضاع و احوال ديگر، شديداً بيش از اندازه است، مقدار آن را به مبلغی معقول و متعارف تقليل داد.

## فصل 8

### تهاتر

#### ماده 8-1

(شرایط تهاتر)

1) هنگامی که دو طرف يك قرارداد، مبلغی پول یا اجراي تعهدی از نوع مشابه را به هم مدیون هستند، هر يك از آنها («طرف اول») مي‌تواند تعهد خود را در مقابل تعهد ذینفع آن تعهد («طرف ديگر») تهاتر کند به این شرط که در زمان تهاتر،

(الف) طرف اول حق اجراي تعهدش را داشته باشد؛

(ب) تعهد طرف ديگر از لحاظ تحقق و میزان تعهد، قطعی و موعد اجراي آن رسیده باشد.

2) اگر تعهدهاي هر دو طرف ناشی از قرارداد واحدی باشد طرف اول همچنین مي‌تواند تعهد خود را در مقابل تعهد طرف ديگر که از لحاظ تحقق و میزان تعهد قطعی نیست تهاتر کند.

#### ماده 8-2

(تهاتر ارزی)

هنگامی که قرار است طرفین مبالغی را به ارزهاي مختلف پرداخت کنند حق تهاتر مي‌تواند

اعمال شود به این شرط که هر دو ارز بطور آزادانه قابل تسعیر باشند و طرفین توافق نکرده باشند که طرف اول باید فقط به ارز مشخصی مبلغ تعهد خود را پرداخت کند.

### ماده 3-8

(تهاتر با ارسال اخطار)

حق تهاتر کردن با ارسال اخطار برای طرف دیگر اعمال می‌شود.

### ماده 4-8

(محتوای اخطار)

1) اخطار باید تعهدهایی را که مرتبط با آنهاست مشخص کند.  
2) اگر اخطار تعهدی را که تهاتر نسبت به آن اعمال می‌شود مشخص نکند طرف دیگر می‌تواند در يك مدت معقول و متعارف به طرف اول اعلام کند که تهاتر در ارتباط با کدام تعهد می‌باشد. اگر چنین اعلامی انجام نشود تهاتر نسبت به تمام تعهدها تسهیم به نسبت می‌شود.

### ماده 5-8

(اثر تهاتر)

1) تهاتر تعهدها را ساقط می‌کند.  
2) اگر میزان تعهدها متفاوت باشد تهاتر تعهدها را تا میزان تعهدی که مبلغ آن کمتر است ساقط می‌کند.  
3) تهاتر از زمان اخطار [تهاتر] نافذ می‌شود.

## فصل 9

### واگذاري حقوق، انتقال تعهدات، واگذاري قراردادها

#### قسمت 1 : واگذاري حقوق

##### ماده 9-1-1

(تعريف)

«واگذاري يك حق» به معنای انتقال توافق يك حق از سوي يك شخص («واگذارنده») به شخصي ديگر («طرف واگذاري») است که شامل موردی نیز می‌شود که حق واگذارنده به دریافت مبلغی از يك شخص ثالث یا اجرای نوع دیگری از تعهد توسط شخص ثالث («متعهد») به عنوان وثیقه [از سوي واگذارنده به طرف واگذاري] انتقال می‌یابد.

##### ماده 9-1-2

(مستثنیات)

مواد این قسمت نسبت به انتقالهای زیر که اجرای آنها تابع قواعد ویژه‌ای است اعمال نمی‌شوند:

(الف) انتقال اسنادی چون اسناد تجاری، اسناد مالکیت یا اسناد مالی، یا

(ب) انتقال حقوق در جریان انتقال يك کسب و کار تجاری.

##### ماده 9-1-3

(قابلیت واگذاري حقوق غیرپولی)

حقی نسبت به اجرای يك تعهد غیرپولی را فقط در صورتی می‌توان واگذار کرد که واگذاري تعهد مزبور بطور قابل توجهی به سنگینی بار تعهد نیفزاید.

#### ماده 9-1-4

(واگذاری جزئی)

1) حق دریافت مبلغی پول را می‌توان بطور جزئی واگذار کرد.

2) یک حق نسبت به اجرای نوع دیگری از تعهد را فقط در صورتی می‌توان بطور جزئی واگذار کرد که آن تعهد قابل تجزیه باشد و واگذاری آن بطور قابل توجهی به سنگینی بار تعهد نیفزاید.

#### ماده 9-1-5

(حقوق مؤجل)

[در صورت انتقال توافقی] چنین تلقی می‌شود که در زمان توافق، حقوق مؤجل انتقال یافته است با این شرط که به هنگام تحقق آن حقوق در آتی، بتوان حقوق مزبور را به عنوان حقوقی که واگذاری در ارتباط با آنها صورت پذیرفته است مشخص کرد.

#### ماده 9-1-6

(حقوق واگذار شده بدون مشخص کردن یک به یک آنها)

تعدادی از حقوق را می‌توان بدون مشخص کردن یک به یک آنها واگذار کرد به این شرط که بتوان آن حقوق را به عنوان حقوقی مشخص کرد که در زمان واگذاری یا در زمان محقق شدنشان، مرتبط با واگذاری انجام شده بوده‌اند.

### ماده 7-1-9

(توافق بین واگذارنده و طرف واگذاری کافی است)

1) يك حق با صرف توافق بين واگذارنده و طرف واگذاري، بدون دادن اخطار به متعهد، واگذار مي‌شود.

2) نيازي به رضاييت متعهد نيست مگر اينكه در اوضاع و احوال مورد نظر، تعهد مزبور از ويژگي اساساً شخصي برخوردار باشد.

### ماده 8-1-9

(هزينه هاي اضافي متعهد)

متعهد اين حق را دارد كه هزينه هاي اضافي وي كه ناشي از انجام واگذاري است با پرداخت غرامتي از سوي واگذارنده يا طرف واگذاري جبران شود.

### ماده 9-1-9

(شروط عدم واگذاري)

1) علي‌رغم وجود توافقي بين واگذارنده و متعهد مبني بر محدود يا ممنوع كردن واگذاري حق دريافت مبلغی پول، واگذاري آن حق نافذ خواهد بود. با اين وجود، ممكن است واگذارنده در مقابل متعهد به خاطر نقض قراردادشان مسؤول شناخته شود.

2) واگذاري حقي نسبت به اجراي تعهدهايي غير از پرداخت مبلغی پول در صورتي غيرنافذ خواهد بود كه مخالف با توافق بين واگذارنده و متعهد مبني بر محدود يا ممنوع كردن واگذاري باشد. با اين وجود، واگذاري انجام شده نافذ خواهد بود اگر كه در زمان واگذاري، طرف واگذاري نه از وجود آن توافق اطلاع داشته و نه بایستی از وجود آن آگاه می‌بوده است. در این صورت، ممکن

است و گذارنده به خاطر نقض قرارداد در برابر متعهد مسؤول شناخته شود.

### ماده 9-1-10

(اخطار به متعهد)

1) تا زمانی که متعهد اخطاری درباره واگذاری از واگذارنده یا طرف واگذاری دریافت نکرده است، با پرداخت به واگذارنده، وی از تعهدش بری می‌شود.

2) پس از اینکه متعهد اخطار مزبور را وصول کرد، فقط با پرداخت به طرف واگذاری از تعهدش بری می‌شود.

### ماده 9-1-11

(واگذاریهای متوالی)

اگر واگذاری حق واحدی توسط یک واگذارنده به دو یا چند طرف متوالی واگذاری انجام شده باشد، متعهد با پرداخت مطابق با توالی دریافت اخطارها، از تعهدش بری می‌شود.

### ماده 9-1-12

(دلیل اثباتی مناسب برای واگذاری)

1) اگر اخطار واگذاری از سوی طرف واگذاری داده شده باشد متعهد می‌تواند از طرف واگذاری درخواست کند که در مدت زمان معقول و متعارفی، دلیل اثباتی مناسبی مبنی بر اینکه واگذاری انجام شده است در اختیار او بگذارد.

2) تا زمانی که دلیل اثباتی مناسبی ارائه نشده است، متعهد می‌تواند از پرداخت خودداری کند.

3) تا زمانی که دلیل اثباتی مناسبی ارائه نشده است، اخطار نافذ نیست.

4) دلیل اثباتی مناسب از جمله می‌تواند شامل، ولی نه محدود به، هر نوشته‌ای از سوی واگذارنده و بیانگر این باشد که واگذاری محقق شده است.

#### ماده 9-1-13

(ایرادها و حقوق تهاتر)

1) متعهد می‌تواند کلیه ایرادهای قابل طرح از سوی او در مقابل واگذارنده را در مقابل طرف واگذاری طرح کند.

2) متعهد می‌تواند هر حق تهاتری را که تا زمان وصول اخطار واگذاری، در مقابل واگذارنده برای او قابل دسترسی بوده است نسبت به طرف واگذاری اعمال کند.

#### ماده 9-1-14

(حقوق مرتبط با حق واگذار شده)

واگذاری یک حق، حقوق زیر را به طرف واگذاری منتقل می‌کند:

(الف) همه حقوق واگذارنده نسبت به دریافت مبلغی پول یا اجرای تعهدی دیگر که بر طبق قرارداد مرتبط با حق واگذار شده باشد؛ و  
(ب) همه حقوق تضمین کننده اجرای تعهد مربوط به حق واگذار شده.

#### ماده 9-1-15

(تعهدات واگذارنده)

جز در مواردی که خلاف مطالب زیر به اطلاع طرف واگذاری رسانده شده است واگذارنده در برابر طرف واگذاری تعهدات زیر را به عهده می‌گیرد:

(الف) حق واگذار شده در زمان واگذاری موجود است مگر اینکه حق مزبور مؤجل باشد؛

(ب) واگذارنده ذیحق واگذاری حق مورد نظر است؛



(ج) حق مزبور پیش از این به طرف واگذاري دیگری واگذار نشده و از هرگونه حق یا ادعایی از جانب يك شخص ثالث بري می‌باشد؛  
(د) متعهد ایرادي براي طرح ندارد؛  
(ه) متعهد و واگذارنده، هیچک اخطار تهاتري درباره حق واگذار شده نداده‌اند و چنان اخطاري را نخواهند داد؛  
(و) واگذارنده هر مبلغ دریافتي از متعهد را که قبل از دادن اخطار واگذاري وصول شده است به طرف واگذاري پرداخت خواهد کرد.

## قسمت 2: انتقال تعهدات

### ماده 9-2-1

(طرق انتقال)

تعهدی به پرداخت پول یا اجرای تعهدی دیگر را می‌توان از يك شخص («متعهد ابتدایی») به شخص دیگری («متعهد جدید») به یکی از دو طریق زیر انتقال داد:

(الف) به وسیله توافقی بین متعهد ابتدایی و متعهد جدید بر طبق ماده 9-2-3؛ یا  
(ب) به وسیله توافقی بین ذینفع تعهد و متعهد جدید، که برطبق آن متعهد جدید، تعهد مورد نظر را به عهده می‌گیرد.

### ماده 9-2-2

(مورد استثنا شده)

مفاد این قسمت در مورد انتقال تعهداتی اعمال نمی‌شود که انعقاد آنها تحت قواعد ویژه حاکم بر انتقال تعهدات، در جریان انتقال يك کسب و کار تجاري صورت پذیرفته است.

### ماده 9-2-3

(نیاز به رضایت ذینفع تعهد برای انتقال)  
انتقال يك تعهد با توافق بین متعهد ابتدایی و متعهد جدید نیازمند رضایت ذینفع تعهد است.

### ماده 9-2-4

(رضایت پیشاپیش ذینفع تعهد)  
1) ذینفع تعهد می‌تواند پیشاپیش رضایت بدهد.  
2) اگر ذینفع تعهد پیشاپیش رضایت داده باشد انتقال تعهد هنگامی نافذ می‌شود که اخطار انتقال به ذینفع تعهد داده شود یا هنگامی که ذینفع تعهد به آگاهی از انتقال اقرار کند.

### ماده 9-2-5

(بري شدن متعهد ابتدایی از تعهدش)  
1) ذینفع تعهد می‌تواند متعهد ابتدایی را از تعهدش بری کند.  
2) ذینفع تعهد همچنین می‌تواند در صورتی که متعهد جدید، تعهدش را بطور مناسب اجرا نکند متعهد ابتدایی را به عنوان متعهد، باقی بشناسد.  
3) در غیر از موارد فوق، متعهد ابتدایی و متعهد جدید متضامناً مسؤولند.

### ماده 9-2-6

(اجرای تعهد توسط طرف ثالث)  
1) متعهد می‌تواند بدون رضایت ذینفع تعهد، قراردادی را با شخص دیگری منعقد کند برای اینکه شخص مزبور، تعهد مورد نظر را به جای متعهد اجرا کند مگر اینکه تعهد مزبور در اوضاع و احوال آن قرارداد، واجد ماهیتی اساساً شخصی باشد.

2) ذینفع تعهد حق مطالبه خود از متعهد را حفظ می‌کند.

### ماده 9-2-7

(ایرادها و حقوق تهاتر)

1) متعهد جدید می‌تواند در مقابل ذینفع تعهد همه ایرادهایی را طرح کند که متعهد ابتدایی می‌توانسته آنها را در مقابل ذینفع تعهد طرح کند.

2) متعهد جدید نمی‌تواند در مقابل ذینفع تعهد هیچیک از حقوق تهاتری را اعمال کند که در دسترس متعهد ابتدایی در مقابل ذینفع تعهد بوده است.

### ماده 9-2-8

(حقوق مرتبط با تعهد انتقال یافته)

1) ذینفع تعهد می‌تواند در مقابل متعهد جدید، همه حقوق خویش نسبت به دریافت مبلغ یا اجرای تعهدی دیگر را، تحت قرارداد مرتبط با تعهد انتقال یافته مطرح کند.

2) در صورتی که بر طبق بند (1) ماده 9-2-5، متعهد ابتدایی از تعهدش بری شده باشد وثیقه اعطا شده توسط هر شخصی غیر از متعهد جدید برای اجرای آن تعهد فک می‌شود مگر اینکه آن شخص دیگر توافق کند که وثیقه مزبور باید برای ذینفع تعهد قابل دسترسی باقی بماند.

3) بری شدن متعهد ابتدایی از تعهدش همچنین به فک هر وثیقه داده شده از سوی متعهد ابتدایی به ذینفع تعهد، در ارتباط با اجرای تعهد مورد نظر تعمیم می‌یابد مگر اینکه وثیقه داده شده نسبت به آن دارایی باشد که به عنوان بخشی از معامله بین متعهد ابتدایی و متعهد جدید انتقال یافته است.

## قسمت 3 : واگذاري قراردادها

### ماده 1-3-9

(تعريف)

«واگذاري يك قرارداد» به معني انتقال توافقي حقوق و تعهدات يك شخص («واگذارنده») به شخصي ديگر («طرف واگذاري») است و آن هم حقوق و تعهداتي كه ناشي از قرارداد واگذارنده با شخص ديگري («طرف ديگر») است.

### ماده 2-3-9

(مورد استثنا شده)

مواد اين قسمت نسبت به واگذاري قراردادهاي كه انجام آنها برطبق قواعد ويژه حاكم بر انتقال قراردادها، در جريان انتقال يك كسب و كار تجاري صورت پذيرفته است اعمال نمي‌شود.

### ماده 3-3-9

(نياز به رضايت طرف ديگر)

واگذاري يك قرارداد نيازمند رضايت طرف ديگر است.

### ماده 4-3-9

(رضايت پيشاپيش طرف ديگر)

1) طرف ديگر مي‌تواند پيشاپيش رضايت دهد.  
2) اگر طرف ديگر پيشاپيش رضايت داده باشد، واگذاري قرارداد هنگامي نافذ مي‌شود كه اخطار واگذاري به طرف ديگر داده شود يا اينكه طرف ديگر اقرار به آگاهي از واگذاري كند.

### ماده 5-3-9

(بري شدن واگذارنده)

- 1) طرف ديگر مي‌تواند واگذارنده را از تعهدش بري كند.
- 2) در صورتي كه طرف واگذاري تعهدش را بطور مناسبې انجام نهد طرف ديگر مي‌تواند واگذارنده را به عنوان يك شخص متعهد حفظ كند.
- 3) در غير اين صورت، واگذارنده و طرف واگذاري متضامناً مسؤول خواهند بود.

### ماده 6-3-9

(ايرادها و حقوق تهاتر)

- 1) به ميزاني كه واگذاري يك قرارداد دربرگيرنده واگذاري حقوق است ماده 13-1-9 متناسب با ميزان واگذاري حقوق اعمال مي‌شود.
- 2) به ميزاني كه واگذاري يك قرارداد در برگيرنده انتقال تعهدات است ماده 7-2-9 متناسب با ميزان انتقال تعهدات اعمال مي‌شود.

### ماده 7-3-9

(حقوق انتقال يافته همراه با انتقال قرارداد)

- 1) به ميزاني كه واگذاري يك قرارداد در برگيرنده واگذاري حقوق است ماده 14-1-9 متناسب با ميزان واگذاري حقوق اعمال مي‌شود.
- 2) به ميزاني كه واگذاري يك قرارداد در برگيرنده انتقال تعهدات است ماده 8-2-9 متناسب با ميزان انتقال تعهدات اعمال مي‌شود.

## فصل 10

### مدتهای مرور زمان

#### ماده 10-1

(محدوده این فصل)

1) انقضای يك مدت زمان، که به عنوان «مدت مرور زمان» به آن اشاره می‌شود برطبق قواعد این فصل، مانع اجرای حقوق مشمول «اصول» می‌شود.  
2) مقررات این فصل حاکم بر مدت زمانی نیست که در طی آن، يك طرف بر طبق «اصول»، مکلف است که به عنوان شرطی برای کسب یا اجرای حقوقش، خطاری به طرف دیگر بدهد یا عملی غیر از آغاز کردن جریان رسیدگی را انجام دهد.

#### ماده 10-2

(مدتهای مرور زمان)

1) مدت مرور زمان عام سه سال است که آغاز آن از فردای روزی است که در آن، ذینفع تعهد از واقعیتهایی مطلع می‌شود یا بایستی مطلع می‌بوده که در نتیجه آن، حق وی می‌تواند اجرا شود.  
2) به هر حال، حداکثر مدت مرور زمان ده سال است که آغاز آن از فردای روزی است که در آن، حق ذینفع تعهد می‌تواند اجرا شود.

#### ماده 10-3

(تغییر مدتهای مرور زمان توسط طرفین)

1) طرفین می‌توانند مدتهای مرور زمان را تغییر دهند.  
2) با این وجود، آنها نمی‌توانند (الف) مدت مرور زمان عام را به کمتر از يك سال تقلیل دهند؛

(ب) حداکثر مدت مرور زمان را به کمتر از چهار سال تقلیل دهند؛  
(ج) حداکثر مدت مرور زمان را به بیش از پانزده سال افزایش دهند.

#### ماده 4-10

(مرور زمان جدید به خاطر اقرار به آگاهی از حق)

1) در موردی که پیش از انقضای مدت مرور زمان عام، متعهد اقرار به آگاهی از حق ذینفع تعهد می‌کند مدت مرور زمان عام جدیدی از فردای روز اقرار آغاز می‌شود.  
2) حداکثر مدت مرور زمان [به خاطر اقرار به آگاهی از حق] مجدداً آغاز به جریان یافتن نمی‌کند اما به خاطر آغاز یک مرور زمان عام جدید بر طبق بند (1) ماده 2-10، ممکن است که حداکثر مدت مرور زمان برای مدت دیگری افزایش یابد.

#### ماده 5-10

(تعلیق مدت مرور زمان به وسیله جریان رسیدگی قضایی)

1) جریان مدت مرور زمان در موارد زیر معلق می‌شود:  
(الف) هنگامی که ذینفع تعهد با آغاز کردن یک جریان رسیدگی قضایی یا در یک جریان رسیدگی قضایی که پیش از این آغاز شده است اقدامی می‌کند که برطبق قانون دادگاه رسیدگی کننده، به معنی مطرح کردن حق ذینفع تعهد در مقابل تعهد است؛  
(ب) در مورد اعسار متعهد، هنگامی که ذینفع تعهد حقوق خود را در جریان رسیدگی به اعسار مطرح کرده است؛  
(ج) در جریان رسیدگی به انحلال یک شخص حقوقی که همان متعهد است هنگامی که ذینفع تعهد،

حقوق خود را در جریان رسیدگی به انحلال مطرح کرده است.

(2) تعلیق مدت مرور زمان تا زمان صدور حکم قطعی و نهایی یا زمانی که جریان رسیدگی به طریق دیگری خاتمه یابد ادامه پیدا می‌کند.

## ماده 6-10

(تعلیق مدت مرور زمان به وسیله جریان رسیدگی داوری)

1) هنگامی که ذینفع تعهد با آغاز یک جریان رسیدگی داوری یا در یک جریان رسیدگی داوری که پیش از این آغاز شده است اقدامی می‌کند که برطبق قانون دیوان داوری، به معنی مطرح کردن حق ذینفع تعهد در مقابل متعهد است جریان مدت مرور زمان معلق می‌شود. در صورت فقدان مقرراتی برای جریان رسیدگی داوری یا فقدان موادی که تعیین کننده تاریخ دقیق آغاز جریان رسیدگی داوری باشند، چنین در نظر گرفته می‌شود که جریان رسیدگی در تاریخی آغاز می‌شود که در آن، درخواستی مبني بر اینکه حق موضوع دعوا باید از طریق جریان رسیدگی [داوری] مورد حل و فصل واقع شود به متعهد واصل می‌شود.

2) تعلیق مدت مرور زمان تا زمانی ادامه می‌یابد که رای الزام آور صادر شود یا جریان رسیدگی به طریقی دیگر خاتمه یابد.

## ماده 7-10

(طرق جایگزین حل و فصل دعوا)

مفاد ماده‌های 5-10 و 6-10 با تغییرات مناسب نسبت به سایر رسیدگی‌هایی اعمال می‌شوند که در آنها، طرفین از شخص ثالثی درخواست می‌کنند که در کوشش آنها برای دستیابی به حل و فصل دوستانه دعوایشان، به آنها کمک کند.



## ماده 8-10

(تعليق مدت مرور زمان در مورد قوه قهریه، فوت یا از دست دادن اهلیت)

1) هنگامی که ذینفع تعهد به وسیله مانعی که فراتر از کنترل اوسیت و وی نه می‌تواند از آن اجتناب کند و نه بر آن غلبه یابد، از اینکه بتواند بر طبق مواد پیشین، باعث متوقف ساختن جریان مدت مرور زمان شود بازداشته می‌شود، جریان مدت مرور زمان عام معلق می‌شود به نحوی که منقضی شدن مدت مرور زمان عام تا یکسال پس از اینکه مانع مزبور برطرف شود صورت نخواهد پذیرفت.

2) در صورتی که این مانع شامل از دست دادن اهلیت یا فوت ذینفع تعهد یا متعهد باشد، تعلیق مدت مرور زمان هنگامی خاتمه می‌یابد که جان‌شینی برای اداره امور طرفی که فاقد اهلیت یا فوت شده است یا برای اداره امور ترکه وی منصوب شود یا وارثی با ارث بردن از متوفی در وضعیت پیشین متوفی قرار بگیرد. مدت یکساله اضافه شده که در بند (1) فوق ذکر شد متناسباً اعمال خواهد شد.

## ماده 9-10

(آثار منقضی شدن مدت مرور زمان)

1) منقضی شدن مدت مرور زمان باعث منتفی شدن حق نمی‌شود.

2) برای اینکه منقضی شدن مدت مرور زمان نافذ باشد متعهد باید آن را به عنوان یک ایراد طرح کند.

3) حتی پس از اعلام منقضی شدن مدت مرور زمان برای یک حق، هنوز می‌توان بر آن حق به عنوان یک ایراد تکیه کرد.

## ماده 10-10

(حق تهاتر)

ذینفع تعهد می‌تواند تا زمانی که متعهد، منقضی شدن مدت مرور زمان را اعلام کند حق تهاترش را اجرا کند.

## ماده 10-11

(بازگشت به وضعیت پیشین)

در موردی که اجرای تعهدی برای بری شدن از آن تعهد صورت پذیرفته است به خاطر منقضی شدن مدت مرور زمان، حق درخواست بازگشت به وضعیت پیش از اجرای تعهد وجود نخواهد داشت.

## فصل 11

تعدد طرفهای متعهد و ذی نفع تعهد

قسمت 1: تعدد طرفهای متعهد

### ماده 11-1-1

(تعریف ها)

هنگامی که متعهدین متعددی در مقابل یک ذی نفع تعهد ملتزم به تعهد واحد هستند:

(الف) در موردی که هر متعهد نسبت به کل تعهد مزبور ملتزم است تعهد کل متعهدین تضامنی است؛

(ب) در موردی که هر متعهدی فقط نسبت به سهم خویش متعهد است تعهدهای مزبور از یکدیگر مجزا است.

## ماده 11-1-2

(اماره تعهد تضامنی)

هنگامی که متعهدین متعددی در مقابل یک ذی نفع تعهد نسبت به تعهد واحدی متعهد هستند، این اماره موجود است که آنها بصورت تضامنی ملتزم شده اند، مگر اینکه اوضاع و احوال بر خلاف آن دلالت کند.

## ماده 11-1-3

(حقوق ذی نفع تعهد در مقابل متعهدین تضامنی)

هنگامی که متعهدین بطور تضامنی ملتزم می شوند، ذی نفع تعهد می تواند اجرای تعهد را از هر یک آنها درخواست کند تا اینکه اجرای کامل تعهد از سوی وی دریافت شود.

## ماده 11-1-4

(در دسترس بودن ایرادها و حق تهاتر)

متعهد تضامنی که از سوی ذی نفع تعهد ادعایی علیه او مطرح شده است می تواند تمام ایرادها و حق تهاترهایی را که شخصاً در اختیار دارد یا اینکه بطور مشترک مربوط به تمام متضامنین می شود مطرح کند ولی او نمی تواند ایرادها یا حقوق تهاتری را مطرح کند که یک یا چند نفر از سایر متضامنین آنها را بطور شخصی [و نه بطور مشترک با وی] در اختیار دارند.

## ماده 11-1-5

(اثر اجرای تعهد یا انجام تهاتر)

اجرای تعهد یا تهاتر از سوی متعهدین تضامنی، یا اجرای تهاتر از سوی ذی نفع تعهد علیه یک متعهد تضامنی، باعث ابرای سایر

متعهدین به میزان اجرای تعهد یا تهاتر در مقابل ذی نفع تعهد می شود.

#### ماده 11-1-6

(اثر ابرای ذمه یا صلح)

(1) بری شدن یک متعهد تضامنی، یا صلح با یکی از متعهدین تضامنی، همه متعهدین دیگر را از تعهدشان نسبت به سهم متعهد بری شده یا مصالح بری می کند مگر اینکه اوضاع و احوال بر خلاف آن دلالت کند.

(2) هنگامی که سایر متعهدین نسبت به سهم متعهد بری شده از تعهد خود بری می شوند، بر طبق ماده 11-1-10 به نسبت سهم خود دیگر ادعایی نسبت به متعهد بری شده نخواهند داشت.

#### ماده 11-1-7

(اثر منقضی شدن یا تعلیق مدت مرور زمان)

(1) منقضی شدن مرور زمان نسبت به حق ذی نفع تعهد در مقابل یک متعهد تضامنی تأثیری بر موارد زیر نخواهد داشت:

(الف) تعهدهای پذیرفته شده در مقابل ذی

نفع تعهد سایر متعهدین تضامنی؛ یا

(ب) حق مراجعه هر یک از متعهدین تضامنی به یکدیگر بر طبق ماده 11-1-10.

(2) در صورتی که ذی نفع تعهد دعوایی را بر طبق ماده های 5-10، 6-10 یا 7-10 علیه یک متعهد تضامنی آغاز کند، تعلیق جریان مرور زمان نسبت به سایر متعهدین تضامنی نیز محقق می شود.

## ماده 8-1-11

(اثر حکم قضایی)

(1) حکم دادگاه در بارهٔ مسوولیت یک متعهد تضامنی در مقابل ذی نفع تعهد، تأثیری در موارد زیر نخواهد داشت:

(الف) تعهد های سایر متعهدین تضامنی در مقابل ذی نفع تعهد؛ یا

(ب) حق مراجعهٔ متعهدین تضامنی به یکدیگر بر طبق مادهٔ 10-1-11.

(2) با این وجود، سایر متعهدین تضامنی می توانند به چنان حکمی استناد کنند مگر در موردی که حکم مزبور مبتنی بر دلایلی باشد که مربوط به شخص متعهد مورد نظر هستند. در این صورت، حق مراجعه متعهدین تضامنی به یکدیگر بر طبق مادهٔ 10-1-11 تحت تأثیر وضعیت مزبور قرار خواهد گرفت.

## ماده 9-1-11

(تسهیم بین متعهدین تضامنی)

جز در مواردی که اوضاع و احوال بر خلاف آن دلالت کند، متعهدین تضامنی بین خودشان به میزان متساوی ملتزم می باشند.

## ماده 10-1-11

(میزان طلب تضامنی)

یک متعهد تضامنی که بیش از سهمش از اجرای تعهد را انجام داده است می تواند آنچه که اضافه بر سهمش انجام داده را از متضامنین دیگر، به میزان سهم انجام نشدهٔ هر یک از آنها، مطالبه کند.

## ماده 11-1-11

(حقوق ذی نفع تعهد)

(1) یک متعهد تضامنی که ماده 10-1-11 در مورد او اعمال می شود می تواند حقوق ذی نفع تعهد را نیز اعمال کند. این حقوق شامل حق تضمین اجرای تعهد از سوی وی، وحق وصول مبلغ اضافی پرداخت شده از همه یا هر یک از متعهدین دیگر به میزان سهم انجام نشده تعهد هر کدام از آنها می شود.

(2) یک ذی نفع تعهد که اجرای تعهد به نفع او بطور کامل صورت نپذیرفته است حق خود علیه متعهدین دیگر را به میزان قسمت انجام نشده تعهد حفظ می کند. این حق وی در اولویت نسبت به حقی است که [هر یک از] متضامنین برای مطالبه سهم انجام نشده یا پرداخت نشده از دیگر متضامنین دارند.

## ماده 11-1-12

(ایرادهای قابل طرح نسبت به مطالبه پرداخت سهم از دین تضامنی)

یک متعهد تضامنی که ادعایی علیه او توسط متضامنی مطرح شده که تعهدش را انجام داده است: (الف) می تواند هر ایراد و حقوق تهاتری مشترکی را مطرح کند که برای طرح از سوی متعهد تضامنی بر علیه ذی نفع تعهد در دسترس بوده است؛

(ب) می تواند ایرادهایی را مطرح کند که برای او جنبه شخصی و خصوصی دارند؛

(ج) نمی تواند ایرادها و حقوق تهاتری را مطرح کند که برای یک یا چند نفر از سایر متضامنین جنبه شخصی و خصوصی دارند.

### ماده 11-1-13

(عدم توانایی در وصول)

اگر یک متعهد تضامنی که بیش از سهم خودش در اجرای تعهد اقدام کرده است، علیرغم تمام کوششهای معقول و متعارفش، نتواند پرداخت سهم یک متعهد تضامنی دیگر از دین تضامنی را از وی وصول کند، سهم دیگران، از جمله متعهدی که اضافه بر سهم خودش اقدام کرده است، به تناسب افزایش می یابد.

قسمت 2: تعدد اشخاص ذی نفع تعهد

### ماده 11-2-1

(تعریف ها)

هنگامی که ذی نفع های متعددی می توانند انجام تعهد واحدی را از یک متعهد مطالبه کنند: (الف) در صورتی که هر ذی نفعی فقط بتواند سهم خودش را مطالبه کند، مطالبه ها جداگانه است؛

(ب) در صورتی که هر ذی نفعی بتواند کل اجرای تعهد را مطالبه کند، مطالبه ها تضامنی است؛

(ج) در صورتی که همه ذی نفع ها باید اجرای تعهد را یکجا مطالبه کنند، مطالبه ها مشترک است.

### ماده 11-2-2

(آثار طلب های تضامنی)

اجرای کامل تعهد به نفع یکی از متعهدین تضامنی، شخص متعهد را از تعهدش در مقابل سایر ذی نفع های تعهد بری می سازد.

### ماده 3-2-11

(در دسترس بودن ایرادها علیه ذی نفع های  
تضامنی تعهد)

(1) متعهد می تواند علیه هر یک از ذی نفع های تعهد تضامنی به همه ایرادها و حقوق تهاثری استناد کند که برای رابطه او با آن ذی نفع تعهد، شخصی یا خصوصی هستند یا اینکه او می تواند به آن ایرادها علیه همه ذی نفع های مشترک تعهد استناد کند، ولی او نمی تواند به ایرادها و حقوق تهاثری استناد کند که برای رابطه او با یک یا چند تن از سایر ذی نفع های تعهد، شخصی یا خصوصی هستند.

(2) با تعدیل های مناسب، مفاد مواد 5-1-11، 6-1-11، 7-1-11 و 8-1-11 نسبت به مطالبه های تضامنی اعمال می شوند.

### ماده 4-2-11

(تعیین سهم ذی نفع های تضامنی تعهد)

(1) ذی نفع های تضامنی تعهد در رابطه بین خودشان، مستحق سهم های برابر هستند مگر اینکه اوضاع و احوال بر خلاف آن دلالت کند.

(2) ذی نفع تعهدی که بیش از سهم خود دریافت کرده، باید آنچه را که بطور اضافی دریافت کرده است به میزان سهم هر یک از سایر ذی نفع های تعهد، به آنها انتقال دهد.